

محمدحسین طغیانی

گناه

و تأثیرات آن بر جسم و جان


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مشخصات کتاب

سرشناسه : طغیانی، محمدحسین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور : گناه و تاثیر آن بر جسم و جان/ [محمدحسین] طغیانی.
مشخصات نشر : قم: عطر عترت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.
شابک : ۱۰۰۰۰ریال: 978-600-5588-39-2
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : چاپ دوم.
موضوع : گناه (اسلام)
رده بندی کنگره : BP۲۲۵/۶/ط۷گ۹ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴
شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۸۲۸۹۰

مقدمه

حمد و سپاس فزون از هر مقیاس، آفریدگاری را سزا است که در غریزه و نهاد بشریت تمایلات عالی ودیعت نهاده و حس کنجکاوی و حقیقت جویی و دانش پژوهی به او عطاء فرموده که پیوسته پویای کشف اسرار طبیعت و جویای رسیدن به مدارج حقیقت و در صدد حل معمای خلقت و غوص دریای معنویات در جهان فطرت است چرا که در این عصر پرده از اسرار عالم خلقت برداشته شده و سیلاب مادی گری و مکاتیب پوچ از باختر به خاور زمین سرازیر و چشم جوانان دانش جو و فرهنگیان روشنفکر متوجه مادیات شده و حقایق را از دریچه مادیات و جهان ماوراء الطبیعه (متافیزیک) را از آغازه های طبیعت می خواهند مشاهده نمایند به همین خاطر لازم دانستیم ثابت نماییم که شریعت مقدس اسلام عین علم و دانش است و هر پرده‌ای که از خبایا و خفایای فطرت عقب رفت حقیقت تازه ای از اسلام و متانت احکام آن کشف می شود.
چنان چه فیلسوف بزرگ اروپا و امریکا این حقیقت را اعتراف نموده است. دکتر گوستاولوبون فرانسوی در صفحه 635 کتاب «تمدن عرب و اسلام» آورده است؛ احکامی که در قرآن به آنها اشاره شده است؛ مانند وضو، غسل، تحریم مسکرات، و ترجیح غذای نباتی بر حیوانی در مناطق گرمسیری بسیار حکیمانه و برای سلامتی بدن مفید می‌باشد.
از این رو برای اثبات این مدعا که تمام دستورات اسلام طبق حکمت است و برای انسان مفید می باشد. این کتاب را به رشته تحریر در آورده‌ایم که به بیان پاره‌ای از واجبات، محرمات و فلسفه آن‌ها پرداخته شده است که امیدوارم مورد قبول درگاه الهی واقع گردد و خوانندگان عزیز با نظراتشان بنده را مستفیض نمایند.
عبدالزهرا سلام الله علیها
محمد حسین طغیانی
20 رجب المرجب 1430 ه.ق

ترک نماز و ابتلا به امراض روحی روانی

یکی از واجبات دین مقدس اسلام نماز می باشد. نماز عامل محافظت انسان از ابتلاء به گناه و معصیت در برابر خداوند متعال است و بهترین وسیله تقرب و رسیدن به آرامش برای انسان می باشد. طبق آیات و روایات بر هر مسلمانی واجب است که در شبانهروز پنج نوبت نماز بخواند و برای ترک کننده این عمل سختی های جسمی و روحی و عذاب های آخرتی وجود دارد که بدان ها اشاره می کنیم. خداوند متعال می فرماید: «نماز بگزار، همانا نماز آدمی را از فحشاء و منکر باز می دارد و یاد خدا بزرگتر است و خدا بر آنچه می سازید آگاهست»(1) هم چنین می فرماید: «ای اهل ایمان از صبر و نماز یاری جوئید که خداوند با شکیبایانست» هم چنین در جای دیگر می‌فرماید «بهشتیان از جهنمیان می پرسند، چه چیز شما رابه دوزخ کشانید؟ در پاسخ گویند، ما از نمازگزاران نبودیم»(2) و هم چنین می‌فرماید «آنها که کتاب خدا را تلاوت کرده و نماز برپای میدارند و از آن چه خدا روزیشان فرموده پنهان و آشکار به فقیران انفاق می کنند امید به تجارتی دارند که هرگز زیان نخواهد داشت»(3)
قابل توجه است که این دستور اسلام در ادیان گذشته هم وجود داشته چرا که خداوند متعال می فرماید: «(به یاد)آور هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر، خویشان، یتیمان و بینوایان نیکی کنید و بهزبان خوش با مردم سخن گویید، نماز بر پا داشته و زکات بپردازید، پس تمامی شما به جز عده کمی رویگردان شدید»(4)
و ترک نماز مانع از قبولی اعمال انسان می شود چنان چه پروردگار متعال می فرماید: «هیچ چیز مانع قبولی انفاق های آنها نشد مگر آن که به خدا و پیامبرش کافر شدند و جز با بی میلی در نماز حاضر نشوند و جز با کراهت انفاق نکنند»(5)
هنگامی که بی رغبتی به نماز خواندن مانع از قبولی اعمال میشود، ترک کردن نماز چه تأثیری بر ما وکردارمان خواهد داشت. بعضی ها فکر می کنند؛ ترک نماز هیچ تأثیری در زندگی شان ندارد ولی این افراد غافلند از این که امام صادق علیه السلام فرمودند: «شخصی بر رسول خدا از تنگی روزیش شکوه کرد. حضرت فرمود: مگر نماز نمی خوانی؟ عرض کرد: یا رسول الله من در پنج وقت، نماز با شما می خوانم. حضرت فرمودند: شاید روزه نمی گیری؟ عرض کرد؛ نه یا رسول الله. حضرت فرمود: آیا به گناهی مبتلا هستی؟ جواب داد حاشا که خلاف فرموده خدا و پیامبرش رفتار کرده باشم. ناگاه جبرئیل امین از طرف رب العالمین نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله، حقتعالی ترا سلام می رساند و می فرماید: علت

تنگدستی این مرد آنست که در همسایگی اش باغی وجود دارد و در آن گنجشکی روی شاخه درختی لانه کرده و در آن آشیان استخوان تارک الصلاتی می باشد. به خاطر شومی آن استخوان زندگی این مرد را فقر و گرفتاری فرا گرفته است»(6)
پس معلوم می شود وقتی استخوان یک بی نماز سبب فقر و گرفتاری می شود اگر انسان شخصاً از نماز دور شود، به طور حتم دچار فقر و بدبختی می گردد.
ترک کردن خواندن نماز؛ سبب خواری و تزلزل شخصیت فرد می‌شود چرا که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سگ (در پارس کردنش) می گوید سپاس خدایی را که مرا سگ آفرید و خوک نگردانید، خوک میگوید سپاس خدایی را که مرا خوک گردانید و کافر نیافرید و کافر میگوید: الحمدالله که مرا منافق نیافرید و منافق می گوید: خدا را شکر که مرا تارک الصلاه نیافرید»(7)
اینها بخش کوچکی از آیات و روایات مربوط به نماز بود که بدان اشاره کردیم اما اینک به دیدگاه دانشمندان درباره نماز، دعا و نیایش با خالق یکتا توجه کنید.
الکسیس کارل می گوید؛ نیایش گاهی تأثیرات شگفت آوری دارد، بیمارانی بودهاند که تقریباً به طور آنی از دردهایی هم چون خدره، سرطان، عفونت کلیه و زخم های مزمن و سل ریوی شفا یافته اند.(8)
بسیار واضح است که نماز نوعی نیایش به درگاه خداوند می باشد که توسط آن دردهای خود را تسکین می دهیم.
و هم چنین در نماز فواید مهم روحی وجود دارد، یکی از فوائد آن تلقین به نفس است که امروز اهمیت آن در علم روانشناسی(پسیکولوژی) به ثبوت رسیده است که به واسطه تأثیر تلقین به نفس، بیماری بهبود مییابد. فرد سالم مریض می گردد، شخص بد اخلاق، خوش اخلاق می شود، خوش اخلاق بد اخلاق می شود، بد عمل خوش عمل می شود، درستکار، بزهکار می گردد، بی دین، دیندار می شود و دیندار بی دین.
هنگامی که فرد به خود تلقین کند که؛ تو آدم خوبی هستی، راستگو هستی، خیانت نمی کنی. وقتی مکرر با خود از این مقوله حدیث نفس کند و به نفس خودش القا نماید، قطعاً همین صفات حسنه و اخلاق ممدوحه در وجود او ریشه می دواند و در اعمال، رفتار و اخلاق او تأثیر می گذارد. شخص نماز گزار به طور مداوم در هر شبانه روز چندین مرتبه در نماز خود را از جمله‌ی صالحان و با آنان هم ردیف می کند و خود را فروتن و خاکسار می سازد، از این رو به طور طبیعی در او اثر می گذارد و در ردیف بندگان صالح در می آید. یکی دیگر از فایدههای روانی نماز، لذت بردن نماز گزار است چرا که در نماز با محبوب خود مواجه و به قرب وصال نائل می گردد

و چنان غرق لذت روحی می گردد که دیگر لذایذ مادی و نشاط جسمی برای او رنگ و بویی ندارد.(9) بر همگان بدیهی است افرادی که نماز را ترک می کنند هیچ ترس و واهمه‌ای در مقابل گناهانشان ندارند و راحت از مسیر خارج می شوند و به دزدی، غارت و تجاوز دست می زنند. نکته دیگر؛ افرادی که نماز نمی‌خوانند از لذت مناجات با خداوند متعال دور می شوند و ناچار بر لذتهای نامشروع و خطرناک روی می آورند، همچنین در سختی ها فرد به یک منبع آرام بخشی نیاز دارد که او را آرام کند ولی افرادی که نماز را ترک کرده اند، برای آرام کردن خود به جای نمازی که آرام بخش مؤمنین است، به مواد مخدر و رابطه با دوستان بی دین رو می‌آورند و آنها نیز به جای کمک کردن، او را در چاه بی دینی می‌اندازند.

یکی از واجبات در دین مقدس اسلام روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان می باشد که این عبادت دارای فوائد بسیار روحی، جسمی، اقتصادی، اجتماعی و ... می باشد که به آن اشاره می کنیم اما قبل از بیان فواید روزه گرفتن به آیات و روایات مربوط به آن اشاره می شود.
خداوند متعال می فرماید: «ای اهل ایمان بر شما نیز مانند گذشتگان روزه واجب گردید تا شاید پرهیزگار گردید»(10)
و هم چنین پروردگار متعال می فرماید: «توبه کنندگان عابد، شکرگزاران روزه دار، رکوع کنندگان و سجده کنندگان، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و نگهبانان حدود الهی و مؤمنان را بشارت ده»(11)
درباره روزه گرفتن از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم احادیث زیادی آورده شده است؛ حضرت فرمودند: «روزه بگیرید تا تندرست شوید»(12) و هم چنین فرمودند: «روزه سپری است مادامی که آن را به دروغ یا غیبت ندرد»(13) و یا در جایی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:«روزه سپر عذاب خداست»(14) و هم چنین باز ایشان می فرمایند: «هر کس قدرت ازدواج ندارد، روزه بگیرد که برای او قطع شهوت است»(15)
پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «پروردگارا! میراث روزه چیست؟
خداوند فرمود: روزه حکمت به ارث میگذارد وحکمت معرفت و معرفت یقین، چون بنده به یقین رسد دیگر برایش اهمیتی ندارد که چگونه شب و روز خود را بگذراند؛ به سختی یا به آسانی» (16)
در دیگر کتابهای آسمان چون تورات و انجیل نیز به روزه گرفتن اشاره شده است.
«قوم یهود در موقعی که فرصت یافته می خواستند اظهار خضوع نمایند، روزه میداشتند تا بوسیله آن رضای حضرت حق را تحصیل نمایند»(17) در انجیل لوقا آمده است «حضرت مسیح به شاگردان دستور داد که پس از فوت او روزه بگیرند»

اما فوائد روزه از نظر دانشمندان و پزشکان

دکتر عبدالعزیز در این رابطه می گوید: این قدر مسلم است که روزه در حالات زیادی مفید است و در مواردی تنها راه علاج درمان می باشد و در مواقع دیگر می بینیم که اگر طریق منحصر هم نباشد، بهترین راه علاج است.
روزه برای معالجه در موارد زیر استفاده می شود:
1- اضطراب مزمن امعاء، هنگامی که مقرون با تخمیر مواد زلالیه و مواد نشاسته ای باشد.
2- فشار خون بالا، این مرض درا ثر عیاشی و انفعالات نفسانی رو به ازدیاد می رود. در چنین هنگامی روزه نقش درمانی ایفا می کند. مخصوصاً اگر وزن شخص بیشتر از وزن طبیعی باشد.
3- مرض قند، آن هم مانند فشار خون رو به بالا می رود. در اوایل بروز و قبل از ظهورش غالباً توأم با سنگینی بدن است دراین صورت روزه علاج نافعی می باشد. زیرا مرض قند با تثبیت وزن تخفیف می‌یابد. در مواقعی که مرض قند به طور خفیفی وجود داشته باشد پنج ساعت پس از خوردن غذا، قند در خون به کمتر از میزان طبیعی‌پایین می آید و پس از ده ساعت به کمترین حد طبیعی می‌رسد. حتی بعد از پیدایش آمپول انسولین، مهمترین روش درمان، روزه گرفتن است.
4- در مورد بیماریهای قلب که توأم با تورم باشد.
5- التهاب مزمن مفاصل، بخصوص وقتی که همراه با بیماریهای‌چاقی باشد. به طوری که غالب خانمها پس از سن چهل سالگی به آن مبتلا می شوند. در این باره مکرر دیده شده است که در ماه رمضان عوارض این بیماری به درجات خفیف تر از (مواقعی که برق و خون گرفتن و تمام وسائل طب جدید بکار برده می شود) می‌باشد.(18)
دکتر فرتس بکر می گوید: روزه گرفتن نه گرسنگی کشیدن است نه یک روش درمانگر؛ بلکه روزه گرفتن یک نوع استراحت است که به بدن ما این امکان را می دهد تا خود را برای ترمیم و نظافت درونی و بیرون ریختن مواد مزاحم بسیج نماید و دوباره خود را پاکسازی و بازسازی‌کند. راز و رمز تأثیر معجزه آسای این امر درون ارگانیسم زنده بدن ما نهفته است. در درون هر شخصی یک نیروی درمان کننده خدادادی وجود دارد.(19)
هم چنین دکتر کارل می گوید: لزوم روزه داری در تمام ادیان تأکید شده است. روزه ابتدا گرسنگی و گاهی نوعی تحریک عصبی و بعد ضعف احساس می شود ولی در عین حال کیفیات پوشیده ای که اهمیت زیادی دارند را به فعالیت وامیدارد. قند کبد در خون میریزد و چربیهایی که در زیر

پوست ذخیره شده اند و پروتیین های عضلات و غدد و سلول های کبد آزاد می شوند و به مصرف تغذیه بافت ها می‌رسد و بالاخره تمام اعضاء مواد خاص خود را برای نگهداری‌تعادل محیط داخلی و قلب قربانی می کند وبه این ترتیب روزه تمام بافت های بدنی را می شوید و آنها را تغییر میدهد.(20)

دکتر ژان فروموزان روش معالجه روزه را شستشوی احشاء تعبیرمیکند که در آغاز روزهداری زبان باردار است. تعریق بدن زیاد میگردد، دهان بو می دهد، گاهی آب از بینی راه می افتد و تمامی اینها علامت شروع شستشوی کامل بدن است. پس از چهار روز بو بر طرف می شود، اسید اوریک ادرار کاهش می یابد و به شخص احساس سبکی و خوشی خارق العاده دست میدهد که در این حال اعضاء هم استراحتی دارند.(21)

در آخر باید گفت روزه باعث زخم معده نمی شود بلکه باعث استراحت معده و در حالت روزه داری و استراحت، اسید معده به جای غذا بوسیله صفرا خنثی میگردد و زخم ایجاد نمیشود.(22) آیا ترک واجبی مانند روزه که گناهی بسیار بزرگ است اثر سوء بر جسم و جان ما ندارد؟ آیا ابتلا به بیماریهای مختلف دلیلی غیر از گناه و معصیت الهی دارد؟ آیا شما هم چنین نظری دارید؟

بی حجابی سبب ناامنی خواهران

بی حجابی یعنی ظاهر کردن قسمت هایی از بدن که پوشاندن آن واجب و نمایش آن به نامحرمان حرام است، طبق دستور قرآن و روایات و نظر عقلا و دانشمندان بی حجابی امر حرام و قبیحی است.
خداوند متعال می فرماید: «ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو خویشتن را در چادر فرو پوشند»(23)
هم چنین می فرماید: «زنان راباکی نیست که نزد پدران، فرزندان و برادران و برادرزادگان و خواهر زادگان و زنان مسلمان وکنیزان ملکی‌خود بی حجاب در آیند.»(24)
در این دو آیه خداوند باری تعالی صراحتاً بیان می کند که زنان باید خود را بوسیله چادر بپوشانند الا برای افراد خاصی مثل برادزادگان و ... که محارم شان محسوب میشود.
خداوندی که خالق آدمی است به نیازهای مخلوقاتش بیشتر آگاه است و هر آن چه دستور می دهد طبق مصلحت است و بر انسانهاست که اطاعت کنند و راه عصیان و مخالفت را نپیمایند.
در تفسیر آیه اول باید گفت، اهل لغت گفته اند جلباب جامه وسیعی‌است کوچکتر از عبا (چادر زنان عرب) و بزرگتر از خمار و مقنعه ای است که زنهای عرب بر سر می اندازند و به گونهای میباشد که اطراف سینههایشان را میپوشاند. از ابن عباس در معنای «من جلا بیبهن» روایت شده که جلباب عبایی است که از سر تا پا را می گیرد. بعضی گفته اند جلباب به معنی ملحفه یعنی لفافهای است که تمام بدن را فرا میگیرد.(25)
در مذمت بد حجابی و خود آرایی خداوند سبحان می فرماید: «در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید. مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خود نمایی نکنید و نماز را به پا دارید و زکات مال به فقیران بدهید و از امرخدا و رسول اطاعت کنید»(26)
غیر از آیاتی که در باب حجاب و اهمیت آن ذکر شد، روایات فراوانی‌در باب مذمت بی حجابی وجود دارد که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم.
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «در آخر الزمان از میان امت من،زنانی خواهند آمد که پوشش دارند اما برهنه اند و بر سرهایشان برآمدگی مانند کوهان شتر خراسانی وجود دارد، ...پس آنان را لعنت کنید که ملعونند»(27)
امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند دلبندش امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «زنان را در پرده حجاب و پوشش نگاهشان دارد تا نامحرمان را ننگرند زیرا سخت گیری در حجاب، سلامت و پاکدامنی آنان را استوارتر

می‌سازد. آوردن افراد غیر صالح در میان زنان و داخل زندگی ، خطرناک تر است از بیرون رفتن آنها از منزل (از تماس زن ها با افراد غیر موثق) جلوگیری کن و اگر می توانی کاری کن که زنان غیر تو را نشناسند. کاری که برتر از توانائی زن می باشد و به او مربوط نیست به او وامگذار، زیرا زن چون گل خوشبوست نه قهرمان و کارفرما»(28)
و در جایی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم میفرمایند: «نابودی زنان امت من در دو چیز است:
1- استفاده از زیورآلات طلا (و نمایش به نامحرمان).
2- پوشیدن لباس نازک و بدن نما.(29)
اینها بخشی از احادیث مربوطه به بد حجابی بود که بیان شد. اما جالب است بدانید که پوشش مخصوص مسلمانان نیست بلکه حتی‌ادیان گذشته مأمور به رعایت حجاب بودند چنان که ویل دورانت مینویسد: اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت چنان که مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشتند به میان مردم می رفت و یا در انظار عموم نخ می رشت، یا با هر سنخی از مردان درد دل می کرد و یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایه ها می توانستند سخنانش را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.(30)
هم چنین نویسنده اروپایی «کنت گو بینو» می گوید: حجاب شدید دوره ساسانی، حتی با آمدن اسلام در میان ایرانیان باقی ماند.(31)
اما در باب فواید جسمی داشتن پوشش باید گفت، آیا نفعی بزرگتر از امنیت وجود دارد؟ امنیتی که خبرنگار نیویورک تایمز طی مقاله ای با عنوان «زنان در آغوش اسلام امنیتی تازه می یابند» با اشاره به گرایش روز افزون زنان مسلمان به حجاب مینویسد. چه چیزی این بازگشت را میسر ساخته است؟ بازگشتی که به معنای واقعی در آزادیهای‌شخصی و سیاسی صورت گرفته است؟
این در حالتی است که طبق آماری تکان دهنده هر بیست دقیقه یک بار، یک زن در سوئد کتک می خورد و مجروح می شود، در هر سه ساعت یک بار به یک زن تجاوز می شود.
اما با وجود این آمارها، بعضی ها خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم به صورت عادی در می آید و دیگر افراد تحریک نمی شوند!
در جواب این افراد باید گفت بنا به نوشته plaintruthتجاوز به عنف (اجبار) از هر 34 دقیقه یک مورد به 14 دقیقه رسید. طبق نوشته مجله آمریکایی نیوزویک هر سال ده هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفادههای دیگر مانند کودک آزادی و ... قرار می‌گیرد. آمار گیری در انگلستان نشان داده است؛ 41 درصد زنان 16 تا 30 سال از این احتمال

که روزی مورد تجاوز قرار گیرند همیشه نگران هستند و بیش از 11 درصد از زنان انگلیس بر این باورند که به هر حال روزی مورد تجاوز قرار خواهند گرفت. 4 درصد زنان از آژیرهای هشدار دهنده تجاوز جنسی استفاده می کنند و 7 درصد از خانمها در کلاس های دفاع شخصی شرکت میکنند.(32)
آیا برهنگی غرب کمکی به امنیت زنها کرده است؟ آیا برهنگی سبب بی توجهی مردان هوسران شده است؟؟؟ آن چه مسلم است تنها حجاب سبب امنیت زنان و بی توجهی مردان به زنان می شود نه چیز دیگر، در این رابطه چه دیدگاهی دارید؟
در پایان بشنوید حکایت جوانی را که بواسطه بی حجابی و بد پوششی همکلاسی هایش در دانشگاه مرتکب قتل شد!!
جوان متهم به قتل را دستگیر کردند. از او پرسیدند؛ چرا چنین عمل شنیعی را انجام دادی؟ گفت: با هزار زحمت دیپلم گرفتم و وارد دانشگاه شدم در انجا چشمم به دختران بد حجاب زیادی افتاد که با آرایشهای تند و زننده در محوطه و کلاس دانشگاه قدم می زدند، با هم می خندیدند و اصلاً رعایت هیچ چیزی را نمی کردند. من هم جوانی‌مجرد، کم کم با بعضی از آنها طرح دوستی ریختم و با نقشه قبلی یکی ازآنان را فریب دادم و با او دوست شدم چون که می‌خواهم با شما ازدواج کنم یک روز او اظهار داشت که حامله هستم باید با من ازدواج کنی من که وضعم مناسب نبود به او قول امروز و فردا می دادم تا این که یک روز کارمان به مشاجره و آبروریزی کشید، گلاویز شدیم و وقتی به خودم آمدم متوجه شدم او را خفه کرده ام و او مرده است.(33)
این جنایت یکی از ثمرات بد حجابی است هر چند این درخت ثمرهای فراوانی چون، خیانت، طلاق، بی میلی زن و شوهر، وسیله رسیدن به خواهش هوس بازان و ... و صدها ثمره دیگری که برای همگان واضح است.

هیچ وقت دیده نشده است که طلا فروشان، طلاهای خود را در ظرفی‌قرار دهند و آن را روی سر بگذارند و در میان بازار و خیابان حرکت کنند، بلکه طلاها را در گاوصندوقی بزرگ پنهان می کنند زیرا می دانند این جنس ارزشمند دزد زیاد دارد لذا در نگهداری آن تلاش می کنند. عفت، زیبایی و حیای زن نیز مانند طلایی می ماند که دزد زیاد دارد به همین خاطر عاقل، فردی است که آن را از دسترس دزدان دور نگه میدارد و آن را در گاو صندوق قرار میدهد، باید دانست که گاو صندوق گوهر زن؛ حجاب است، حجاب یعنی پوشاندن تمام بدن بوسیله چادر، اگر درب گاو صندوق شما ذرهای باز باشد دزد می‌تواند به راحتی دسبرد بزند و اگر کاملاً هم باز باشد به راحتی‌دست به سرقت می زند یعنی اگر شما قدری از زینتها را واضح و آشکار کنید و یا تمام آنها را، در هر دو صورت راه را برای هوسبازان باز گذاشته اید، پس با داشتن پوشش کامل خود را از دست نگاههای‌مردان هوس باز حفظ کنید.

خوردن گوشت خوک سبب ابتلا به تریکیوز

در شریعت مطهره اسلام خوک از حیوانات نجس به شمار می آید. خرید و فروش آن حرام و خوردن گوشت و شیر آن هم حرام است. برای تحریم این حیوان دلایلی بسیار وجود دارد که به آنها از طریق قرآن و روایات و نظر دانشمندان اشاره میکنیم.
خداوند متعال می فرماید: «خداوند محققاً مردار و خون و گوشت خوک و آن چه بدون نام خدا کشته شود را بر شما حرام نموده»(34)
در علت تحریم خوردن گوشت خوک، امام رضا علیه السلام می فرماید: «خداوند خوردن خوک را حرام فرموده چون حیوانیست مهیب و زشت صورت که خدا او را برای پند و عبرت گرفتن انسانها آفریده (یعنی از دیدنش بفهمند که خدا بر هر چیزی تواناست و خدای را بر زیبایی صورت بشری خود شکر کنند) بترسند از شهوت رانی و بی‌بند و باری که موجب این می شود که خدای متعال سیمای زیبای آدمی‌را از او گرفته و به صورت خوکشان کند و مسخ شوند. جهت دیگر حرمت خوک آنست که خوراکش پلیدترین پلیدها و کثیف ترین کثافتها است»(35)
هم چنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند عده ای را به صورت های گوناگون مسخ کرد شبیه خوک، بوزینه، خرس و هر چه از مسوخات دیگر است؛ آنگاه از خوردن این نمونه ها نهی فرمود تا از این گونه حیوانات بهره مند نگردند و با عقوبت آن خوار نگردند»(36)
اینها قسمتی ازآیات و روایات مربوط به خوردن خوک بود که به آنها اشاره شد اما قبل از بیان مضرات علمی این حیوان باید اشاره نمود که خوک و سگ دو حیوان نجس هستند که تمام اجزاء بدنشان حتی مو و ناخن آنها که جان ندارد، ناپاک است و ذبحشان لغو است یعنی به هیچ وجه قابل تطهیر نیست و خوردنشان حرام و گناه محسوب می‌شود.

زیان های جسمی خوک از نظر دانشمندان

1- خوک از خوردن کثافات حتی مدفوع خود باک ندارد، از این جهت معده خود را لانه انواع و اقسام میکروب های امراض قرار داده که از آن جا به گوشت، خون و شیر آن سرایت می کند.
2- از ضررهای مهم گوشت خوک، تولید مرض تریکینوز است که میکروبی با نام تریکین یا تریشین در گوشت خوک لانه می گذارد به گونهای که در یک کیلو گوشت خوک بسا 400 میلیون نوزاد تریکین موجود است. این انگلها سبب آسیب گلبول های قرمز و ایجاد کم خونی در شخص، سپس سرگیجه و امراض زیاد دیگر می شوند.
3- تولید مرض لادرری که از خوردن گوشت خوک به وجود می آید، در سرزمینهای مسیحی به خاطر خوردن گوشت خوک بسیار شایع است.
4- خوک غیرت ناموسی ندارد! جفت خود را در معرض استفاده خوک های نر دیگر قرار می دهد. این صفات و اخلاق او در گوشتش تأثیراتی دارد. از این جهت اشخاصی که ازا ین گوشت تغذیه میکنند همان صفات و اخلاق رذیله را پیدا مینمایند.(37)

یکی دیگر از گناهانی که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به کبیره بودنش تصریح فرموده اند، سحر میباشد که در آیات و روایات به آن اشاره شده است.
خداوند متعال می فرماید: «طایفه یهود پیروی کردند آن چه را که شیاطین بر مردم در زمان حضرت سلیمان می خواندند در حالی که سلیمان کافر نشد ولیکن شیاطین کافر شدند چه آن که سحر را به مردم یاد دادند و آنها را گمراه نمودند و از آن چه بر دو فرشته بابل، هاروت و ماروت از راه الهام نازل شده بود، پیروی کردند. در حالی که آن دو فرشته هر گاه می خواستند بکسی سحر بیاموزند قبلاً او را از عمل به آن نهی می کردند و می گفتند ما برای آزمایش آمده ایم و مواظب باش کافر نشوی. پس از آن دو فرشته قسمت هائی از سحر که به وسیل؟ آن میان زن و شوهر جدایی می انداختند را یاد میگرفتند. اگر چه مردم نمیتوانستند بدون اذن خدا به کسی زیان برسانند و یاد می گرفتند آن چه به حالشان زیان داشت نه منفعت و آنها (بوسیله عقل خود و فرمایش حضرت موسی) می دانستند که خریدار سحر درسرای دیگر بهره ای نخواهد داشت و به بد چیزی‌خود را فروختند اگر بدانند» (38)
در توضیح این آیه باید آورد؛ امام رضا علیه السلام ضمن گفتگویی با مأمون چنین فرمودند: «و اما هاروت و ماروت دو فرشته بودند که به مردم سحر یاد دادند تا بوسیله آن از سحر ساحران جلوگیری کنند و نقشه های آنها را باطل نمایند. آنان چیزی از سحر به کسی نیاموختند مگر این که قبلاً به او یادآوری کردند که ما وسیله آزمایش تو هستیم، کافر مشو. ولی عده‌ای بواسطه به کار بستن چیزی که باید از آن دوری می‌کردند، کافر گشتند و مشغول تفرقه انداختن میان مرد و همسرش بوسیله اعمال مخصوصی که انجام می دادند شدند.»(39)
در مذمت سحر و جادو از اهلیبت علیه السلام احادیثی داریم که به آن اشاره می کنیم.
رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سه طایفه اند که به بهشت داخل نمی‌شوند. کسی که دائماً در حال شراب خواری باشد. کسی که دائماً درحال سحر باشد و قطع کننده صله رحم.»(40)
و هم چنین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «کسی که نزد ساحر، کاهن یا دروغگویی برود در حالی که آن چه را که می گویند، تصدیق کننده باشد به تمام کتاب های آسمانی که خدا فرستاده کافر شده است». (41)

امیرالؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «زنی خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت شوهرم به من بد اخلاقی و تندی می کند. من چیزی درست کرده ام تا او را با خود مهربان کنم. (یعنی او را سحر کرده‌ام یا به قول عوام چیز خورش کرده ام تا مرا دوست بدارد) رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: اف بر تو باد که دریاها و خاک ها را تیره ساختی و ملائکه های نیکان و ملائکه های آسمان و زمین ترا لعنت کردند»(42)
لازم به تذکر است که سحر انواعی دارد که به آن اشاره خواهیم کرد اما قبل از بیان اقسام آن به جا است که سحر را تعریف کنیم. سحر عبارت است از نوشتن یا خواندن اوراد مخصوص یا سوزانیدن به آتش یادود کردن چیزهایی خاص، نقش کردن صورت، یا گره زدن پارچه یا چند چیز را به شکلهای گوناگون در جاهایی دفن کردن به طوری که در بدن، قلب یا عقل شخص سحر شده، اثر کند. مثل این که غایب را حاضر یا این که او را بیهوش کنند یا ایجاد محبت و دشمنی بین او و دیگری‌کنند و بین زن و مرد جدایی اندازد.(43)

انواع سحر

1- کهانت: خبر دادن از امور آینده و پیشگوئی کردن است به این منظور که خبرها از بعضی طوایف جن رسیده است. از مال دزدیده شده یا از امور آینده خبر می دهد. در این باره حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که کهانت کند و فردی که نزد کاهن برود تا برایش این عمل را انجام دهد از دین محمد صلی الله علیه وآله وسلم بیرون شده است.»(44)
2- شعبده: نشان دادن چیزی است که حقیقت و واقعیت ندارد. بوسیله سرعت حرکت و استفاده از خطای چشم بیننده انجام می‌گیرد. مانند آتشی که در آتش گردان است وقتی که به سرعت چرخ داده می شود، چشم یک دایره متصل آتشین می بیند. در حالی که واقعاً این طور نیست.
3- تسخیرات: استخدام و تسخیر کردن ملک، جن یا ارواح بشر یا سایر حیوانات و غیره که تماماً حرام و از اقسام سحر شمرده می شود.
4- قیافه: پیوند دادن کسی به دیگری در نسب. بر خلاف آن چه که شرع مقدس در اثبات نسب و الحاق یکی به دیگری، میزان قرار داده است، مثل این که از روی علم چهره شناسی حکم قطعی کند فلانی‌پسر فلان شخص است. در حالی که از روی میزان شرعی پسر او نیست یا بواسطه اعضای ظاهری و باطنی، شخص از امور غریب و پنهان خبر دهد.
نقل شده است؛ علی بن هبیره از جمله حکام و امراء بنی عباس بود. غلامی داشت به نام رفید. بر او خشم کرده بود و قصد کشتنش را داشت. رفید به حضرت صادق علیه السلام پناه آورد. آن حضرت به او فرمودند: «نزد او برگرد و سلام مرا به او برسان و بگو جعفر بن محمدصلی الله علیه وآله وسلم گفت، من غلام تو رفید را پناه دادم او را آزار مده» رفید عرض کرد: مولای من شامی بد اعتقادی است، حضرت فرمود: «برو و بهمین قسم که گفتم بگو» رفید گوید روانه شدم در بیابان عربی مرا دید پرسید: کجا میروی؟ صورتت شبیه به کشته شدگان است. پس گفت؛ دست خود را به من بنما، چون نگاه کرد، گفت: دستت دست انسان کشته شده است! هم چنین پایم را دید و گفت: پایت پای انسان کشته شده است. تمام بدنم را دید و گفت: بدنت مانند جسد مقتول است. سپس زبانم را نگاه کرد، گفت: بر تو ضرری نیست زیرا در این زبان رسالت و پیغامی است که اگر به کوه های بلند، آن پیغام را برسانی. آنها نرم می شوند.
رفید میگوید، چون بر مولایم علی بن هبیره وارد شدم امر به کشتنم نمود. کتفهایم را بستند و جلاد با شمشیر برهنه بالای سرم ایستاد. گفتم: ای امیر

مرا که به زور نگرفتی بلکه من با پای خودم آمدم. مطلبی است که با تو در خلوت می گویم. خواهی مرا بکش یا ببخش. پس امر به خلوت نمود مطلب امام را به او رساندم گفت الله اکبر جعفر بن محمد این سخن را به تو گفت و به من سلام رساند. گفتم: بلی و قسم خوردم تا سه مرتبه. پس با دست خود بازوی مرا گرفت، باز نمود و گفت، دست من پیش نمی رود و هرگز چنین کاری نمی‌کنم. گفت، قانع نمی شوم مگر به این کار. پس اصرار کرد دستان او را بستم و من زود آنها را گشودم سپس انگشتری خود را به من داد و گفت؛ امور خود را به تو وا گذاشتم، و همگی در دست تو است، هر چه خواهی بکن.(45)

5- تنجیم: خبر دادن از حوادث تکوینی به طور قطع و جزم. مانند خبر دادن از گرانی و ارزانی اجناس و قحطی. در حالی که این امور را مستقلاً از حرکات افلاک و ربط ستارگان بداندوآنها را مستقلدر تأثیرات این عالم بداند. اما خبر دادن از این امور به طور احتمال و خدا را مؤثرحقیقی دانستن جایز است؛ چنان چه خبر دادن از خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی و منزلهای ماه، اتصال و انفصال ستارگان از یکدیگر مانعی ندارد. در این مورد رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «کسی که منجم یا کاهن را تصدیق کند، پس به آن چه خدا بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم فرستاده است کافر شده است»(46)

باید گفت که قدرت ساحر محدود می باشد، چنان چه امام صادق‌علیه السلام فرمودند: «ساحر عاجزتر و ناتوان تر است که بتواند خلقت خدای را دگرگون سازد. زیرا کسی که بتواند آن چه را خدا ترکیب و تصویر فرموده باطل کند و دگرگون سازد باید چنین شخصی شریک خدا در خلقتش باشد. بلند مرتبه است خداوند از این که برایش شریکی‌باشد. اگر ساحر بر چنین کاری توانائی دارد، پس باید بتواند پیری و گرفتاری‌را از خودش دور کند، نگذارد موی سرش سفید شود و تهیدستی را از خود دور کند. جز این نیست که بزرگترین اقسام سحر نمیمه است که با آن میان دوستان جدایی می افکند و میان اهل صفا و محبت، دشمنی می اندازد».(47)

پلیدی ساحر از نظر عقلای عالم

از مقدمات تحصیل و بدست آوردن قدرت و علم سحر، انواع شرور و جنایتها و خیانت ها که از جمله آنها ترک جمیع امور خیریه و ارتکاب افعال شنیع مانند زناء محصنه، قتل نفس و خوردن خون انسانی با آداب مخصوص اهانت به آیات قرآن مجید. به طور کل اعمالی به جا آورد که توسط آن به شیاطین نزدیک شود حتی از سنخ آنها بدتر بشود تا بتواند به وسیل?آن از سحر و کهانت استفاده کند.

زهی بدبختی برای بشری که می تواند به برکت اعمال خیر و پیروی از دستورات شرع مقدس به ردیف ملائکه در بیاید و یا بالاتر از ملائکه شود، خود را از این درجات محروم ساخته و به اسفل الّسافلین که از شیاطین پایین تر است، برساند.

فرق بین سحر و معجزه

یکی از شرایط نبوت و امامت دارا بودن معجزه می باشد. معجزه انجام عملی است که از حدود قوانین طبیعی بیرون بوده و دیگران از آوردن مانند آن عاجز و ناتوان هستند. و صاحب این عمل برای اثبات حقانیت خود از آن استفاده می کند ولی متأسفانه بعضی افراد با استفاده از سحر و جادو ادعای نبوت و امامت می کنند و این دستاویزی برای توجه مردم به آنها می شود. لذا باید فرق ما بین معجزه و جادو را بیان کنیم تا جای هیچ شبهه ای باقی نماند یا به تعبیری فرق ساحر با نبی یا امام را بیان کنیم.

1- اصل ادعا، عقلاً قابل قبول باشد. اگر ادعایش قابل پذیرفتن نبود آن چه آورده، سحر است. خواه علت آن دانسته شود یا نشود. مثلاً پس از آن که بر هر مسلمانی ثابت شد که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم آخرین پیامبر است، تا قیام قیامت اگر کسی ادعای پیغمبری کند و امور خارق العاده ای انجام دهد از همان ادعایش معلوم می گردد که جادوگر ماهریاست.

2- باید شرایط عقلی مدعا را داشته باشد. مثلاً از جمله شرایط پیغمبر و امام، عصمت است. یعنی پیش از مقام پیغمبری و امامت و بعد از آن هیچ وقت گناهی از او دیده نشده باشد. و از جهت علم و عمل سرآمد اهل زمان خود باشد. پس اگر شخصی که از او گناه دیده شده یا از معارف خدائی بی بهره است یا دنیا پرست اگر از او امور غریبه ای دیده شود، یقیناً جادوگر است.

3- امر خارق العاده فقط به قدرت خداوند مستند باشد نه به تحصیل و کسب اسباب آن. مثلاً ساحر از استخوان پوسیده مردگان و موی آنها استفاده می کند و با ابزار خاص سحر می کند ولی معجزه فقط از خداست و فی البداهه صورت می گیرد. چنان چه پیغمبر با اشاره به ماه آن را دو نیم کردند، حضرت عیسی علیه السلام که کور مادرزاد را شفا دادند یا حضرت موسی علیه السلام که عصا را به اذن و قدرت خداوند تبدیل به اژدها نمودند.(48)

اینها بخشی از تفاوت های سحر با معجزه بود که بیان شد.

شخصی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و از سحر شکایت کرد. حضرت فرمود: «بر کاغذی که از پوست آهو باشد این دعا را بنویس و همراه خود قرار ده که آن سحر بتو ضرری نمی رساند و کیدش در تو اثر نمی‌کند.» و آن دعا اینست: «بسم الله و بالله و ماشاء الله بسم الله لاحولولاقوهالابالله. قال موسی ماجئتم به السحر ان لله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنا لک و انقلبوا صاغرین»
آن حضرت در این رابطه فرموده اند: برای جلوگیری از سحر و شر شیطان هفت مرتبه بخوان «بسم الله وبالله سنشد عضدک باخیک و نجعل لکما سلطاناً فلایصلون الیکما بآیاتنا انتما و من اتبعکما الغالبون» و هم چنین پس از فراغت از نماز شب و پیش از نماز صبح، هفت مرتبه آن را بخوان جز این نیست که بر تو ضرر نخواهد زد. (49)

شراب عامل تخریب عقل و قوه تشخیص

شرابخواری که خوردن مایعات مست کننده است طبق قرآن و روایات ونظر عقلا منفور می باشد و برای عامل و شارب آن، آفت هایی وجود دارد که به آنها میپردازیم.
ابتدا به آیاتی که در مورد شراب وجود دارد، اشاره میکنیم و پس از آن به روایات و نظر دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان، تا حجت بر همگان تمام شود.
خداوند متعال می فرماید: «ای پیامبر از تو درباره حکم شراب و قمار میپرسند، بگو در این دو، گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم دارد ولی زیان آنها بیشتر از منفعت آنست»(50)
در این آیه پروردگار صراحتاً اشاره می نماید که زیان این دو، یعنی‌شراب و قمار بیشتر از نفع آن است. چرا که بعضاً افراد در قمار سود زیادی بدست می‌آورند ولی بعد از آن منفعت بزرگتری را از دست می دهند. هم چنین در مورد شراب، شاید قدرت ظاهری‌بدست آورند ولی خود را مبتلا به بیماریهای مختلف کردهاند که در قسمت آخر به آن اشاره می شود.
خداوند متعال می فرماید: «همانا شراب و قمار و بتها پلید است و از اعمال شیطانی است»(51) در این آیه نیز خداوند تعالی از قمار و شراب به پلیدی نام برده است. یعنی این دو سبب می شود انسان با معنویت خداحافظی کند و خود را از گناهکاران بداند و برای ارتکاب گناهان مختلف آماده شود.

شراب خوار جایگاهش در روایات چگونه است؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: «شراب خوار اگر مریض شد او را عیادت نکنید و اگر مرد بر تشییع جنازه او حاضر نشوید، اگر شهادت داد از او قبول نکنید، اگر خواستگار شد به او دختر ندهید. هر کسی دخترش را به شارب الخمر بدهد گویا او را به سوی آتش کشیده است. هر کس دخترش را به مخالف دین بدهد، قطع رحم نموده و هر کس شارب الخمر را امین شمارد برای او بر خداوند متعال ضمانتی نباشد» (52)
رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سوگند به آن که مرا به حق فرستاد؛ هر کس شربتی از مست کننده بنوشد نمازش چهل روز و شب قبول نمیشود پس اگر توبه کند خداوند توبه او را قبول می نماید. هر کس دو شربت بنوشد، هشتاد روز و شب نمازش قبول نمیشود و بر خدا حقیست که او را از زرعه الخبال بنوشاند. گفته شد آن چه چیز است یا رسول الله؟ حضرت فرمودند: صدیه اهل آتش و چرک آنان، صدیه مانند چرک و خون است.»(53)
با توجه به این حدیث نوشیدن شراب باعث می شود که انسان محبوبیت خود را نزد خداوند متعال از دست بدهد و حتی خداوند متعال به نمازهای او نیز توجه نخواهد کرد اما حدیث به این معنا نیست که من نماز را ترک کنم و نماز نخوانم، بلکه بدین معناست که پستی این عمل ما را از از محبت خالق دور میکند و دیگر حتی به عبادت ما هم توجه نمی کند.
در مورد علت تحریم شراب امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «خداوند عزوجل خمر و شراب را به خاطر چند جهت حرام فرمود. در آن فساد است، عقل شارب را تغییر داده وزایل می کند، شارب را مجبور می کند که خداوند منان را انکار کند، شارب را مجبور می کند که بر خدا و انبیایش دروغ ببندد، فسادهای دیگری از شارب سر می زند. قتل و نسبت ناروا دادن و مبادرت به زنا ناشی از شرب خمر می باشد. شرب خمر سبب می شود که نسبت به اجتناب از محارم الهی بی‌اعتنا و کم مبالات گردد. سپس امام فرمودند: به خاطر این جهات حکم نمودیم که هر شراب و مایع مست کنندهای حرام است. زیرا عاقبتی‌که بر خمر مترتّب است بر این مایعات نیز مترتّب میباشد یعنی آن چه از فساد که به دنبال شرب خمر هست به دنبال نوشیدن این مایعات نیز خواهد بود، لذا کسی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته، دوستی و ولایت ما را دارد و اساساً مودت و محبت ما خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دین او می باشد باید از شارب مسکر- مایع مست کننده- اجتناب و احتراز کند چرا که بین ما و شارب مسکر هیچ ارتباطی نمی باشد»(54)

اینها بخشی از احادیث مربوط به نوشیدن شراب بود اما بشنوید ضررهای شراب را در کلام دانشمندان و پزشکان مسلمان و غیر مسلمان.
اندیشمندان و علمای اروپایی از قبیل، پاستور، برتیلیون، موسیو کریزل، کلینتول، دکتر گالیته بوآسیر، کوزر برای مشروبات الکلی‌مضرراتی بیان کرده اند که مشروحاً و مبسوطاً به آن ها اشاره می‌کنیم.
1- اثری که الکل در وجود آدمی مینماید تدریجاً خون را فاسد نموده، عمل تغذیه اعضاء مختل و به طور صحیح انجام نمی گیرد. مقدار زیادی پیه و چربی اطراف قلب را گرفته و آن را سنگین و حجیم می کند، آن گاه که قلب سنگین شود به کندی ضربان می کند و رگ های آن تنگ می گردد و بدین واسطه نبض اشخاص الکلی غالباً آهسته و غیر منظم است، چون قلب ضخیم شده شرایین نمی تواند خون را قوی از قلب براند و بر سایر اندامهابرساند و با کوچکترین فشاری شریان پاره گردیده و سبب نزف الدم سخت می گردد.
2- حنجره و ریه فرد الکلی پس از استعمال مشروبات به مرور زمان ورم میکند و صدای شخص الکلی بسیار خشن و بم می شود، سرفه های سختی که در این قبیل اشخاص ملاحظه می گردد نتیجه همان تحریک قصبه الریه می باشد.
3- سینه های اشخاص معتاد برای مرض سل مستعد میشود. از روی‌امتحان و تجربه معلوم شده که اشخاص مسلول (دارای سل) غالباً معتاد به الکل می باشند، مگر عدهای کمی که به دلایل دیگر مبتلا شده اند.
4- اثرات الکل در مغز و نخاع آدمی بسیار محسوس است. غالباً سبب نزف الدم دماغی یعنی پاره شدن شریان دماغی و ریختن خون دماغ میگردند و چون خون بر مرکز دماغ ریخت، شخص الکلی فجئه کرده و فوراً می میرد.
5- الکل در جهاز هاضمه معتادین خیلی مؤثر است. زبانهای آنها شکاف های مختصری برداشته و حجیم می گردد و دیگر تشخیص مزه غذاها را به خوبی نمی دهند.(55)
اینها خلاصه ای از اثرات باطنی مشروبات الکلی بود که توسط اندیشمندان علم پزشکی میکروب شناسان در دنیا اظهار شده است، خیلی جالب است بدانید، نوشیدن شراب در ادیان دیگر نیز حرام میباشد که در کتب ادیان مختلف از آن نهی شده است؛ به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم.
«وای بر آنانی که صبح زود بر می خیزند تا در پی مسکرات بروند و شب دیر می نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید.»(56)
هم چنین در پلیدی شراب میفرماید: «زنا و شراب، شیره دل ایشان را می رباید»(57)

در انجیل لوقا آمده است: «پس خود را حفظ کنید مبدا شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردید و آن روز ناگهان بر شما آید»(58)

زنا، هم بالینی نامشروع با جنس مخالف یا ارضای شهوت از طریق غیر قانونی و غیر مشروع است، عملی است که در قرآن و روایات از آن نهی شده است و دارای زیان های فراوانی می باشد که توجه شما را به آن جلب می کنیم.
خداوند متعال در قرآن می فرمایند: «نباید به زنا نزدیک گردید، چرا که عملی بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است» (59)
هم چنین در سوره نور می فرماید: «زنان و مردان زنا کار را هر کدام صد تازیانه بزنید و هرگز به آنان ترحم نکنید. اگر به خدا و قیامت ایمان دارید و در هنگام اجرای حکم باید جمعی از اهل ایمان حاضر باشند»(60) و هم چنین در روایات متعدد هم از این عمل نهی شده است، چنان چه احادیث زیادی در این مورد آمده که به آنها اشاره می شود.
حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بر شماست که از زنا دوری کنید زیرا در آن شش خصلت و خصیصه باشد. سه در دنیا و سه در آخرت، اما سه تایی که در دنیاست: 1- نشاط و درخشندگی صورت را از بین می برد. 2- رزق حلال را قطع می کند 3- مرگ و فنا نزدیک و فاعل را به جهنم می برد، اما سه تایی که در آخرت باشد: 1- فاعل را گرفتار سوء حساب می کند 2- موجب غضب باری تعالی می باشد 3- فاعل را در آتش، مخلّد می کند.(61)
امام رضا علیه السلام در علت تحریم زنا فرمودند: «زنا حرام شده زیرا در آن فساد میباشد و آن عبارت است از کشتن نفوس، از بین رفتن انساب، ترک تربیت اطفال، تباه شدن میراث و اموری شبیه به اینها که جملگی‌از وجوه فساد محسوب می شوند.»(62) هم چنین امام صادق‌علیه السلام فرمودند: «سخت ترین عذاب را در روز قیامت آن مردی دارد که نطفه خود را در رحمی که بر وی حرام بوده، جای داده است.(63) اما اینها بخشی از آیات و روایات مربوط به زنا بود که بیان کردیم، اینک به سخنان دانشمندان و پزشکان توجه کنید تا متوجه آسیب های این گناه شوید.
جناب آقای دکتر سید حسین فتاحی معصوم در مورد رابطه های‌نامشروع این چنین می گوید:
بیماری ایدز یا سندرم نقص ایمنی اکتسابی در سال 1981 کشف شد و تا کنون در آمریکا 60 هزار نفر به این بیماری مبتلا شده اند. مرگ و میر آن نزدیک به صد در صد می باشد. عامل این بیماری ویروسی است که به اختصار «HIVمی گویند و در سال 1983 کشف شده است. با تلاش های فراوانی خواسته اند عامل این بیماری را به بی بند و باری نسبت ندهند.

اما هنوز هم در بین افراد بی‌بندوبارو هم چنین همجنس بازان در صد بالایی را تشکیل می‌دهد بطوری که در همجنس بازان 78 درصد و در هموفیلی ها کمی بیش از یک درصد می باشد.(64)
جناب آقای دکتر احمد محمود آبادی درباره راه های انتقال ایدز می‌گوید. ویروس HIV(ایدز) از نظر روش انتقال بسیار شبیه یکی از ویروس های مولد هپاتیت به نام ویروس هپاتیت Bمی باشد. راه های‌عمده انتقال این ویروس عبارتند از: تماس جنسی (زنا و غیر)،ورود خون و فرآورده های خونی آلوده از جمله سوزن های‌آلوده در معتادان تزریقی و انتقال از مادر به جنین.(65) یکی‌دیگرازنتایج شوم زنا شیوع بیماری های آمیزشی و یا عوارض ناشی از آنهاست که سبب ضعف و ناتوانی بدن و حتی در گروهی‌سبب خود کشی می شود. بعضی از بیماری های عفونی این عمل عبارتند از:
1- سفلیس (زخم کوچکی روی دستگاه تناسلی یا سایر نقاط بدن ایجاد میشود و سبب وارد شدن میکروب به خون می گردد.)
2- سوزاک (عفونت موضعی دستگاه تناسلی ادراری که به ندرت وارد خون می شود)
3- شانکو (بیماری عفونی)
4- ایدز (HIV(که سبب ایجاد حالاتی چون سارکوم کاپوزی، لنفوم مغز، سل ریوی، و ...)
اما درباره حد این گناه باید مسایلی را بیان کنیم تا پلیدی این عمل واضحتر مشخص شود. حضرت آیت ا... العظمی تبریزی در رسال ?خود آورده است اگر مرد آزادی زنا کند، باید او را صد تازیانه بزنند و چنان چه سه مرتبه زنا کند، و در هر مرتبه صد تازیانه اش بزنند در دفعه چهارم باید او را بکشند ولی فردی که زن عقدی دائمی یا کنیز مملوک دارد و در حالی که بالغ و عاقل و آزاد بوده با او نزدیکی کرد، و هر وقت هم بخواهد می تواند با او نزدیکی کند، اگر با زنی که بالغه و عاقله است زنا کند، باید او را سنگسار نمایند.(66)
حضرت امام رحمه ا... در این رابطه آورده‌اند: حد زنا با محارم نسبی یا با زن پدر یا کافر با زن مسلمان و زنای به عنف که زن از خود اختیاری‌نداشته باشد، قتل می باشد و حد زنای زن با مرد همسردار سنگسار می باشد و حد زنای غیر محصنه و غیر محرم صد ضربه شلاق می باشد.(67)
حضرت آیت الله العظمی خوئی رحمه الله علیه نظر داده‌اند: اگر مرد آزادی زنا کند، باید او را صد تازیانه بزنند و چنان چه سه مرتبه زنا کند در هر دفعه صد تازیانه اش بزنند در دفعه چهارم باید او را بکشند ولی‌کسی که زن عقدی دائمی یا کنیز مملوک دارد و در حالی که بالغ و عاقل و آزاد

بوده با او نزدیکی کرده و هر وقت هم بخواهد می تواند با او نزدیکی کند، اگر با زنی که بالغه و عاقله است زنا کند باید او را سنگسار نمایند.(68)
امامسئله‌اول‌مورداتفاق‌نظرحضرات‌عظام‌تقلید، حضرت آیت‌العظمی بهجت، حضرت آیت الله العظمی صافی، حضرت آیت العظمی مکارم شیرازی و حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی می‌باشد.

از آن جهت که گوش راهیست نزدیک به سوی دل و قلب باید آن را از شنیدن صداها و آهنگ های حرام باز داریم، اگر طالب سلامت دل و جانمان هستیم. خداوند متعال در این باره می فرمایند: «بعضی از مردم سخنان بیهوده را خریدارند تا مردم را از روی نادانی از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آنها عذابی خوار کننده است»(69)
آیا شنیدن موسیقی و ترانه های بیهوده که بعضاً ساعت ها افراد به آن گوش می دهند، مصداق سخنان بیهوده نیست.
خداوند متعال در سوره اسراء می فرمایند: «همانا گوش و چشم و دل همگی مورد سؤال قرار می گیرند»(70)
آیا شنیدن آهنگها و ترانه‌هایی که سبب تحریک شهوت و سبب ایجاد انحرافات جنسی می باشد، موردی نیست که ما به خاطر آن مورد سؤال واقع شویم؟
هم چنین خداوند متعال می فرماید: «باید از قول زور پرهیز کنید»(71)
جالب است بدانید امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه فرمودند: «مقصود، آوازه‌خوانی است»(72)
هم چنین در این رابطه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «چهار چیز است که دل را تباه میکند و نفاق را در دل می رویاند، هم چنان که آب درخت را میرویاند، گوش دادن به لهوّیات (موسیقی) بد زبانی، آمد و شد به درگاه سلطان و شکار.»(73)
و هم چنین امام صادق علیه السلام میفرمایند: «خانه هایی که در آن نوای موسیقی باشد از حوادث ناگهانی ایمن نیست، در آن دعا مستجاب نمی گردد و فرشتگان بر آن داخل نمی شوند» (74)
در این باره باز رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «ازینک از گوش دادن به سازها و آوازها حذرکنید، زیرا این دو نفاق در دل می رویانند هم چنان که آب سبزه را می رویاند» (75)
اینها قدری از آیات و روایاتی بود که در مورد موسیقی از ناحیه اهل البیت علیه السلام به ما رسیده است. اما نظر مراجع معظم تقلید در مورد موسیقی چیست؟
حضرت امام خمینی رحمه ا... در پاسخ به سئوالی که پرسیدند: بعضی از سرودهایی که از صدا و سیمای جمهوری اسلام پخش می‌شود، آهنگ های تندی دارد که حتی انسان را از حالت طبیعی خارج می کند، شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد و آیا شنیدن کلیه آهنگ هایی که از رادیو پخش می شود موافق شرع است؟ فرمودند: موسیقی مطرب حرام است و صداهای

مشکوک مانع ندارد.(76)
حضرت آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه) در توضیح مسائل آورده‌اند: آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می باشد.(77)
حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی نظر می دهند که: آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می باشد، اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند حرام است ولی اگر آن را با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد اشکال ندارد.(78)
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در کتاب مسائل کثیرالابتداء مینویسند: کلیه صداها و آهنگ هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهمیده‌ی متدیّن خواهد بود. (79)
حضرت آیت الله العظمی سید صادق شیرازی در توضیح المسائل خود آورده‌اند: موسیقی که غالباً با آلات لهو نواخته می شود یا مشتمل بر غناست، حرام می باشد.(80)
حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمة ا.. علیه) در این رابطه فرموده‌اند: استعمال آلات مختص به لهو در غیر لهو بنابر احتیاط واجب جایز نیست و استعمال آنها در لهو حرام است و موسیقی مطرب، استماع آن هم حرام است و میزان مطرب بودن اطرب، شأنی است نه فعلی و تشخیص آن با خود مکلف است.(81)
حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله علیه) استفتاء میدهند: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است جایز نیست و هر آهنگی که از نواختن آلات موسیقی‌تولید شود، حرام است.(82)
حضرت آیت الله العظمی وحید در منهاج الصالحین آورده‌اند: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است جایز نیست و هر آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید شود، حرام است.(83)
حضرت آیت الله العظمی سیستانی نیز نظر داده‌اند: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است جایز نیست و هر آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید شود حرام است.(84)
اینها نظر برخی از مراجع معظم تقلید بود که دلالت بر تحریم موسیقی‌و غنا می کرد اما براستی چرا بعضی ها با وجود آیات و روایاتی که در مورد حرام بودن موسیقی است باز به این عمل تمایل نشان می دهند.
موسیقی سبب عامل بسیاری از بیماری ها میباشد که به آنها اشاره میکنیم. اما قبل از بیان دیدگاه دانشمندانی که با موسیقی مخالفند، باید

اشاره کرد عدهای موسیقی را مفید می دانند و باعث بهبود بیماری ها میدانند ولی این افراد کاملاً غافلند از این که شاید موسیقی‌باعث درمان ظاهری مرضی گردد ولی همان موسیقی سبب پیدا شدن مرض های دیگری در اندامهای مختلف بدن می شود درست مانند داروهای شیمیایی که بعضاً برای نقطه ای از بدن مفید است و برای قسمت های دیگر ضرر دارد و آن افرادی که قائل به مفید بودن موسیقی هستند؛ فقط منافع جزئی آن را میبینند و از مضرات کلی آن غافلند.
اما بد نیست نظر دانشمندان را هم در مورد موسیقی بدانید تا دیگر جای هیچ گونه شک و شبهه ای در مورد ضررهای موسیقی برای شما باقی نماند.
دکتر «ولف آدلر» پروفسور دانشگاه کلمبیا مینویسد:
«بهترین و دلنوازترین نواهای موسیقی، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان می گذارد؛ مخصوصاً وقتی که هوا گرم باشد اثرات نامطلوب آن شدیدتر می گردد.»(85)
دکتر «آلکسیس کارل» فیزیولوژیست و زیست شناس فرانسوی آورده است:
«ساز و آواز کنسرتها، صدای اتومبیلها و ورزش ها نمی توانند جای‌فعالیت ها و کارهای سودمند اجتماعی را بگیرند، رادیو نیز مانند سینما و موزیکال، سستی کامل به کسانی می بخشد که با آن سرگرمند»(86)
ارسطو می گوید: «وقتی زمامداران فرهنگ اجتماع به جای توجه به اختراعات، اکتشافات و امور صنعتی و ایجاد کار، بوسیله ساز، آواز و موسیقی و عیاشی، برنامههای اتلاف وقت تعیین نمودند به دانشمندان و نویسندگان بیدار بگویید آگهی مرگ فرهنگ و تعلیم و تربیت را منتشر نمایند. هر وقت کشوری را دیدید که از پیشرفت های‌علمی محروم است و به جای مخترع و مکتشف و صنعتگر، آوازه خوان و موسیقی نواز را هنرمند معرفی می نماید، بدانید دست های خیانت در فرهنگ آن کار می کند»(87)
تئوفیل گوته، شاعر انتقادی فرانسوی مینویسد:
«موسیقی عزیز ولی نامطبوع ترین صداها است. دقیقاً من سکوت را بر دلانگیزترین نغمه ها ترجیح می دهم» (88)
موسورسکی، که خود اطلاعاتی از فن موسیقی داشته می گوید:
«برای ما نه موسیقی لازم است و نه نقاشی و نه سنگتراشی، شما و امثال شما ریا کاران و دروغگویان بروید پی کارتان، ما احتیاج به افکار زنده و بیدار داریم»(89)
معروف است دوران عمر طبیعی بشر یکصد و بیست سال است ولی‌فیزیولوژیست ها و علمای روانشناس، زیست شناس و به ویژه

متخصصان علوم روانی و اعصاب، معتقدند که بشر هر گاه در محیطی‌قرار بگیرد که از سر و صداها دور و روان و اعصابش از ناراحتی های گوناگون و پیش آمدهای ناگوار بر کنار بوده به مراتب عمر او بیش از صد و بیست سال خواهد شد.(90)
اما با نگاهی کوتاه به زندگی و طول عمر موسیقدانان به این نکته پی‌می بریم که موسیقی سبب کوتاهی عمر بشر است و اکثر موسیقدانان عمرشان حتی از نصف عمر متوسط طبیعی-60 سال- نیز کمتر بوده است، برای اثبات این مدعا به جدول زیر توجه فرمائید.(91)

نام	تاریخ تولد	تاریخ مرگ	مدت عمر	کشور
کاوالیر	1550	1602	52 سال	ایتالیا
بلینی	1801	1835	34 سال	ایتالیا
آدام دولاهال	1240	1287	47 سال	فرانسه
رابرت کامبر	1628	1677	49 سال	فرانسه
هاینریش آلبرت	1604	1651	47 سال	آلمان
آلبان برک	1885	1935	50 سال	آلمان
ایوانویچ گلینکا	1804	1875	71 سال	روسیه
موزارت	1756	1791	35 سال	اطریش
توماس مورله	1557	1602	45 سال	انگلیس
توماس ویلکس	1575	1623	48 سال	انگلیس
مک داول	1861	1908	47 سال	آمریکا
حسینقلی	1234	1294	60 سال	ایران
ابوالحسن صبا	1281	1336	55 سال	ایران

ربا عامل تشنجات عصبی

یکی از گناهان کبیره ربا خواری است و این گناه سبب جنگ و پیکار با خداوند و رسولش میشود. در مذمت این عمل آیات و روایات زیادی‌وجود دارد که به آن اشاره می کنیم و بعد نظر دانشمندان را در این باره می‌آوریم تا بر همگان پلیدی این عمل روشن گردد.
خداوند متعال می فرماید: «آن کسانی که ربا خوردند، برنخیزند جز به مانند آن که به وسوسه و فریب شیطان مخبط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل (ربا خوردن) زشتند که گویند هیچ فرقی میان معامله و ربا نیست و حال آن که خداوند تجارت را حلال کرده و ربا را حرام، هر کس پس از آن که پند و اندرز کتاب خدا به او رسید از این عمل دست کشید، خدا از گذشته او در گذرد و عاقبت کار او با خدای‌مهربان باشد. کسانی که از این کار دست نکشند آنان اهل جهنم اند و در آن جاوید معذب خواهند بود»(92) هم چنین خداوند متعال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بپرهیزد، و آن چه از ربا باقی مانده رها کنید؛ اگر ایمان دارید! اگر چنین نکنید، بدانید خدا ورسولش با شما پیکار خواهند کرد» (93)
در این رابطه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم میفرمایند: «یک درهم ربا که انسان دانسته گیرد در نظر خدا بدتر از سی وشش زنا است.»(94)
در علت تحریم ربا امام رضا علیه السلام فرمودند: «خداوند عزوجل ربا را حرام فرمود؛ زیرا مایه بر باد رفتن اموال می شود؛ چه وقتی انسان یک درهم را به دو در هم بخرد بهای آن در هم (که خریده) یک درهم است و در هم دیگر (که داده) بیهوده و بیجاست. پس خرید و فروش ربا در هر حال موجب نقصان و زیان برای خریدار و فروشنده است. بنابراین خداوند تبارک وتعالیربا خواری را بربندگان ممنوع ساخت؛ چون مایه تباه شدن اموال می گردد.»(95)
هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر ربا حلال بود، مردم کار، تجارت و کسب مایحتاج خود را رها می کردند. پس خداوند ربا را حرام فرمود، تا مردم ازحرام خواری دست کشیده به تجارت، خرید و فروش روی آورند و به یکدیگر قرض دهند»(96)
ربا از نظر دکتر عبدالعزیز- به نظرایشان، زیان ناشی از معاملات رهنی‌نوعی ربا از جهت طلبی خیلی شدید می باشد به این معنی که معمولاً اشخاص رباخوار بدون زحمت در مدت کمی ثروت زیادی‌اندوخته می نمایند و مسلم است که صدمات ثروتمند شدن در اعصاب بیشتر از مصایب است؛ زیرا انسان هنگام وقوع هر مصیبتی می تواند به امید زوال

تدریجی یا اجر اخروی آن دلخوش باشد و این خود حکمتی الهی است که انسان را در برابر صدمات نگه می دارد ولی انفعالات نفسانی که از پیش رفت های آنی حادث می‌شود، عادتاً قابل تحمل نیست، زیرا شخص تصور زوال آن را نمی کند و اگر چنین تصوری نماید، مسرتش از بین می رود. غالب امراض عصبی و روحی ناشی از این گونه حالات است. اما کسب حلال مانند تجارت و زراعت هر چند نتیجه آن زیاد باشد، صدمات شدید روحی‌و عصبی نخواهد داشت زیرا حصول نفع و ضرر در این قبیل موارد تدریجی است، شخص زارع یا کاسب هر روز انتظار سود یا زیان را دارد و این انفعالات مکرر و موقتی او را برای تحمل صدمات آماده می سازد. (97)

اما زیان دیگر جسمی که می توان برای ربا ذکر کرد این است؛ اکثر کسانی که ربا می گیرند بی کار می باشند و فعالیت جسمی ندارند. چون کار نمی کنند و به پول ربا اکتفا می کنند، این بیکاری و عدم تحرک جسمی خود منشأ بسیاری از بیماری ها میگردد و بیماری های‌ناشی از بی تحرکی نیاز به بحث ندارد.(98)

اینها بخشی از آیات و روایات مربوط به ربا بود که بیان شد و از نظر عقلا هم این عمل مورد مذمت واقع شده است. در جواب افرادی که می گویند در ربا سود وجود دارد، باید گفت؛ سودی که یک نفر از آن بهرمند شود و دیگری در فقر قرار گیرد، سود نیست. نکته دیگراین است که مثل این افراد مثل بچه ای است که با نشان دادن یک اسباب بازی بی ارزش یک وسیله ارزشمندی را از دست او می گیرند و او به خاطر از دست دادن آن ناراحت نمیشود بلکه به خاطر آن شیء بیارزش شاد و خندان میگردد. ربا خوار نیز به خاطرسود ناچیز دنیا خوشحال است اما اصلاً احساس نگرانی به خاطر تباه شدن آخرتش و فساد دینش ندارد.

نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای شیطان میباشد و مقدمه ارتکاب گناهان بزرگی چون عمل منافی عفت، قتل و دزدی و ... است لذا در قرآن و روایات از این عمل نهی شده و عقلای عالم نیز این عمل را منفور می دانند.
خداوند متعال می فرماید: «ای رسول ما؛ مردان مؤمن را بگو تا چشمهایشان را فرو بندند و فروج و اندامشان را (از حرام) محفوظ دارند، این برای ایشان پاکیزه تر است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است» (99)
خداوند در آیه فوق صراحتاً مردان مؤمن را از نگاه به نامحرم نهی می‌کند و این را عامل پاکیزگی مؤمنان بیان میکند. ولی این حکم تنها مخصوص مردان نیست بلکه زنان مؤمن نیز بایدچشم های خود را از نگاه به مردان نامحرم حفظ کنند چرا که خداوند حکیم می فرماید: «ای رسول خدا؛ زنان مؤمن را بگو تا چشم هایشان را از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند؛ زینت و آرایش خود را جز آن چه ظاهر می شود بر بیگانگان آشکار نسازند.»(100)
این چند آیه مربوط به نگاه های حرام بود. اما در کنارآیات، روایاتی‌وجود دارد که به آنها هم اشاره می کنیم. رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «غضب شدید و طاقت فرسای خداوند، دامنگیر زن شوهرداری است که چشم های ناپاکش از نگاه های آلوده و شهوت بار به مردان اجنبی پر شده است. اگر زنی به چنین انحرافی دچار شود خداوند تمام اعمال خیر و پسندیده اش را به هدر خواهد داد و اگر از نگاه تجاوز کند و با داشتن شوهر، زنا بدهد، بر خداست که چنین زن بی پروا و خیانتکاری را به آتش قهر خویش بسوزاند پس از آن که در قبر، عذابش کرده است.»(101)
هم چنین امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «هیچ کس از زنا بیبهره نیست. زنای چشم؛ نگاه (به نامحرم) است و زنای دهان؛ بوسه (حرام) است و زنای دست؛ تماس با بدن (نامحرم) می باشد» (102)
حضرت زهرا سلام الله علیها در این رابطه فرمودند: «آن چه برای‌زنان نیکوست اینست که مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز آنها را نبینند»(103)
امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره میفرمایند: «هر کس چشم چرانی کند، خاطر خود را آزرده و کسی که پیوسته عادتش این باشد در حسرت به سر می برد»

با توجه به احادیث مربوط به نگاه حرام، مشخص شد که این عمل نتیجه ای جز زیان و حسرت ندارد. شخصی که به این عمل عادت کند، خود را به تباهی می کشاند چنان چه خود این افراد به آن اقرار می کنند. از جمله اقرار کنندگان زن 18 ساله ای است که از خانه فرار کرده بود و بوسیله مأمورین پاسگاه نعمت آباد دستگیر شد. وی در پاسگاه گفت؛ سه سال پیش به عقد شخصی در آمدم ولی به تدریج احساس کردم که او را دوست ندارم، چهره شوهرم را با قیافه بعضی از مردها مقایسه میکردم و افسوس می خوردم که چرا زن این مرد شدم.(104)
با توجه به داستان بالا مشخص می شود که علت بسیاری از طلاق ها و اختلافات و خیانت ها نگاه حرام می باشد. نگاهی که امام صادق علیه السلام دربارهاش فرمودند: «نگاه دوم، نگاهی که بعد از نگاه اول صورت گیرد، در قلب انسان تخم شهوت را می پاشد و کافی است که صاحب نگاه را به فتنه بزرگی دچار نماید.»(105)
این نگاه، همان نگاهی است که سبب قتل 20 نفر شده و نگاهی که سبب جدایی زن از شوهر می شود.
یکی از بزرگان حکایت میکند؛ که گفت سالی به سفر حج می رفتم، زنی در بیابان دیدم عصایی به دست و با سرعت هر چه بیشتر راه می‌رفت. علتش را سئوال کردم که با این سرعت کجا می روی؟ پاسخ داد: نذر کرده ام بیست سفر حج پیاده انجام دهم، تا کنون چهارده بار مشرف شده ام و شش حج دیگر مانده! علت نذر را سئوال کردم؟ زن گفت: علت آن طولانی است و وقت بیان آن را ندارم. تا آن که به موقوف رسیدیم. اتفاقاً دوباره به آن زن برخورد کردم، نزد او رفتم و علت نذرش را مجدداً سئوال کردم. گفت: اگر بدانم که مرا رسوا نخواهی کرد و آزاری هم به من نمی رسانی، برایت نقل خواهم کرد. او را اطمینان دادم و خاطرش از جانب من جمع شد، چنین گفت: من تنها فرزند یک خانواده بزرگ بودم از طبقات مختلف مردم به خواستگاری من می‌آمدند ولی به هیچ کدام رضایت نمی دادم تا این که روزی پدرم از منزل بیرون رفته بود و من برای تماشای کوچه به در خانه آمدم. در این هنگام چشمم به جوان رعنای خوش خط و خالی‌افتاد. شمایل موزونش مرا به خود جلب کرد. در این حال او هم به من اظهار علاقه نمود. از جوان خواستم تا ساعتی را با هم به سر بریم. داخل خانه شد. سپس با یکدیگر در آویخته و به هم مشغول شدیم. در این احوال صدای زنگ در به گوش رسید و این صدا ما را مضطرب کرد. در پی جایی می گشتم تا جوان را پنهان کنم. در خانه ما خمره ای بود که قبلاً در آن آذوقه می گذاشتیم ولی آن وقت خالی بود. جوان را به داخل خمره کردم و در خمره را بستم. برای باز کردن در منزل، به طرف حیاط روانه شدم. هنگام باز کردن در با پدرم مواجه شدم که برای کاری به منزل آمده بود

چون پدرم از خانه بیرون رفت و خانه بار دیگر خلوت شد، شادمان به سوی خمره رفتم، درش را گشودم و جوان را مرده یافتم! جوان در اثر بوی تعفن داخل خمره خفه شده بود. مضطرب به فکر چاره شدم به هر صورتی بود، نعش جوان را از آن محل بیرون کشید. و در جایی از منزل پنهان کردم به فکر آن بودم تا چگونه بدون رسوایی به خاکش بسپارم. گیج و بی تصمیم بالای بام رفتم. چشمم به غلام سیاه رنگی افتاد. با اشاره ای او را به کنار بام منزلمان طلبیدم و آهسته بدون اطلاع پدر و مادرم، راز قضیه را به او گفتم که اگر نگذاری کسی از قضیه مطلع شود، از دادن زر و زیور به تو هیچ فرو گذار نخواهم بود. غلام قبول کرد و سوگند یاد کرد که خواسته مرا به طور محرمانه انجام دهد. من هم با اعتماد به غلام ماجرا را تماماً برایش نقل کردم و نعش جوان را به او تحویل دادم. چون غلام از جریان با خبر شد، فریاد کشید. من که دیدم رسوا می‌شوم خود را به دست و پای او انداختم و تذلّل کردم که هر چه زودتر نعش جوان را به بیرون از منزل منتقل کند و آبروی مرا نریزد. غلام گفت: به شرطی به گفته ات عمل خواهم نمود که خود را در اختیار من بگذاری، والا رسوایت می کنم. من هم به حکم اجبار، تسلیم غلام شدم و از او تمکین نمودم. پس از این ماجرا خود را آلوده یافتم. آن گاه غلام برخاست، نعش را به دوش کشید و جوان مرده را از خانه بیرون برد. من هم چنان در فکر کار خود بودم و این گونه شب را به پایان رساندم که صدایی مرا به خود جلب کرد، متوجه ریگ هایی‌شدم که به شیشه زده می شد. بلند شدم و حیران از این امر بی‌درنگ به بام رفته و از آن جا کوچه را نگریستم. غلام مذکور را دیدم از او علت سنگ زدنش را سئوال کردم؟ گفت: رفقای من هر یک با یاران خود به میگساری مشغولند و من بی یار هستم لذا از من خواست که با او همکاری کنم و شادی بخش مجلس او باشم از او خواهش کردم که اجازه دهد تا پدر و مادرم به خواب بروند. آنگاه که آنها به خواب عمیق فرو رفتند از خانه بیرون شدم و به اتفاق غلام به محلی که بزمگاهشان بود رفتم. یک عده از متصدیان امور حیوانات به دور یکدیگر جمع بودند و هر کدام یاری در آغوش گرفته بود و با او مأنوس بودند. بعضی از آن زنان مرا شناختند و تعجب نمودند که چرا من به این مجلس آمدهام، آنگاه زنان شروع به طعنولعنمن نمودند و مذمتم کردند از این که دامن عفت خانوادهام را ننگین نمودهام. پاسخ دادم: ای خواهران من! هر کس در معرض وقایع ناگوار است و سزاوار نیست که شما پرده راز کسی را پاره کنید و رسوایش نمایید. آن ها مرا به خوردن شراب دعوت کردند و من از آنها تقاضا کردم تا امشب ساقی آن ها باشم و در شب های بعد در شراب خواری با آنان شرکت کنم، قبول کردند. من که ساقی شده بودم به قدری به آنها شراب دادم که مست و بیهوش نقش زمین شدند سپس کاردی از

کمر یکی از آنها کشیدم و از اول تا آخر آنها را سر بریدم و با سرعت هر چه تمامتر خود را به خانه رساندم و در بقیه شب، خود را به خواب زدم. روز بعد، خبر این فاجعه در شهر پیچید که در فلان خرابه نوزده زن و مرد به علت نامعلومی به قتل رسیدهاند و از قاتل یا قاتلین اطلاعی در دست نیست. طبیعی است هیچ فردی به من که دختر معروف شهر بودم ظنّ بد نمی برد و تا کنون هم کسی از این کار با خبر نشده بود، این ماجرا گذشت و پس از مدتی پدر و مادرم مرا به عقد یکی از خویشانم در آوردند و من که قبلاً بکارت خود را از دست داده بودم در فاصله بین عقد و عروسی به فکر چاره ای افتادم که آبرویم را حفظ کنم برای این کار چنین اندیشیدم که کنیزی را که از جهت قیافه، سن و سال شباهتی‌به من داشته باشد بخرم. همین کار را هم کردم و او هم نسبت به من اظهار علاقه و وفاداری نمود تا این که شب عروسی فرا رسید. کنیز را به خلوتی بردم و راز خود را برایش بازگو نمودم. سپس لباس عروسی ام را به او پوشاندم و پس از انواع زینت ها و آرایش ها او را به جای خود به نزد شوهر فرستادم تا این که شوهرم از راز و جریان کار من با آن غلام آگاه نشود و مرا رسوا نسازد. در آن شب همسرم مست شراب بود و این امر به عملی شدن نقشهی من کمک زیادی کرد و خوشبختانه همسرم از باکره نبودن من با خبر نشد و کنیزک را با من اشتباه گرفت. شب با موفقیت سپری شد و صبحگاهان به سراغ کنیزک رفتم به مجرد این که کنیزک مرا دید، فریاد زد که شوهرم با او همبستر شده و شوهر تو، شوهر من است! من که وضع را خراب تر از پیش دیدم به سرعت با دو انگشت گلوی او را فشار دادم و بر نوزده کشته پیش، نفری افزودم. این بار با مسأله جدیدی روبرو شدم که با نعش او چه کنم؟ حیران از این موضوع، فکری به نظرم رسید. او را به داخل هیزم انداختم و برای این که هر گونه آثار جرمی را محو کرده باشم، هیزم ها را آتش زدم و وانمود کردم که آن جا آتش گرفته است تا آن که تمام هیزم ها با جسد کنیزک سوخت و من از این بابت آسوده خاطر شدم اما با وجدانی ناراحت آن جا را ترک کردم!! از این به بعد زندگی ما به طور عادی میگذشت و من به خاطر کشتن بیست انسان و چندین گناه بزرگ و خیانت به همسرم وجدانم ناراحت بود. پیوسته در ناراحتی فکری به سر می بردم.ناگزیر تصمیم به ترک دنیا گرفتم و به همین علت از شوهرم تقاضای طلاق نمودم و بالاخره او را به این مسأله راضی نمودم و بعد نذر کردم تا بیست سفر حج پیاده به جا آورم و برای هر یک از مقتولین یک حج پیاده انجام دهم و از خدای‌بزرگ نیز طلب مغفرت و امید عفو دارم که او بخشنده و مهربان است.(106)

یک نگاه نابجا باعث این همه مشکلات و گرفتاریها می شود. لذا به هر مرد و زنی واجب است که چشم های خود را از نگاه به نامحرم بپوشانند چرا

که امام صادق علیه السلام فرمودند: «نگاه دوم، نگاهی که بعد از نگاه اول صورت گیرد در قلب انسان تخم شهوت را می پاشد و کافی‌است که صاحب نگاه را به فتنه بزرگی دچار نماید».(107)

آیا تا کنون درباره زیان نگاه ها فکر کرده بودید؟ پس از این به بعد بیشتر مراقب نگاههایمان باشیم.

خود ارضایی، دفع شهوت بواسطه بازی های جنسی با خود که در پسران و مردان به نام استمناء و در دختران و زنان به نام استشهاء است. عملی است منفور و زیان آور. اگر کسی به این کار مبتلا شود خود را در مسیر خطرناکی قرار داده است که به آنها اشاره خواهد شد اما ابتدا بشنوید احادیثی را که در باب مذمت این عمل بیان شده است.
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «هان! لعنت خدا و فرشتگان و همگی مردم، بر کسی که چیزی از حق مرا پایمال کند و بر کسی که با حیوانی نزدیکی‌کند و بر کسی که خود ارضائی (استمناء و استشهاد) کند.» (108)
و هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «سه کس اند که خداوند در روز قیامت با آنها نه سخن می گوید نه به آنان نگاه می کند و نه پاکشان می‌خواند و عذاب دردناک دارد. کسی که موی سپیده خود را بکند، کسی که خود ارضایی کنند و کسیکه لواط دهد.»(109)
امام صادق علیه السلام در رابطه با سئوال استمناء فرمودند:
«گناه بزرگی است که خدای متعال در کتاب خود از آن نهی فرموده است. کنندهی این کار مانند کسی است که با خودش ازدواج کند. اگر بدانم کسی این کار را میکند هرگز با او غذا نمی خورم. سئوال کننده پرسید: یابن رسول الله، در کجای کتاب خدا از این عمل نهی شده است؟ حضرت فرمود: این سخن خداوند که می فرماید: «پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد گذرندگانند» و این عمل از مصادیق «فراتر از این است.» (110)
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نیز میفرمایند: فردی که با دست خود دفع شهوت کند، ملعون است.»(111)
اینها گوشهای از احادیث مربوط به خود ارضایی بود اما اینک بشنوید مطالب مربوط به خود ارضایی و زیان های مرتبط به آن را که در سخنان دانشمندان و پزشکان تراز اول ایران و کشورهای خارجی به آن اشاره شده است.
دکتر هوچین سون مینویسد: نخستین ننتیجه عادت به این کار شنیع این است که قوت و شفافیت چشم ها زایل می گردد، صورت رنگ اصلی خود را از دست می دهد و پژمرده می شود، در نگاه های‌مبتلایان بدین کار هوش و ذکاوت اولی دیده نشده حالت گرفتگی در سیمای آنها ظاهر می گردد، چشمهایشان با حلقههای کبود رنگی احاطه می شود. بعد از آن سستی و تنبلی در اعضای مختلف مشاهده می شود. نقصان حافظه،

خرابی اشتها، مشکل شدن هضم، تنگی نفس، تغییر اخلاق و مزاج به طور غیر قابل توضیح، حسادت، غم و کدورت، افکار مالیخولیایی، تمایل به گوشه گیری و تنهایی از نتایج شوم ابتلا باین انحراف جنسی است.(112)
بیماری هایی که گریبان گیر شخص استمناء کننده می شود.
1- قوای شهوانی را ضعیف میکند واحتمال میرود که از لذات جنسی تا ابد محروم شود.
2- دچار ضعف روحی و جسمی خواهد شد.
3- حس شنوایی را تا حدی از کار می اندازد.
4- بی حال و ترسو بار می آید.
5- شهامت و درستی را از دست می دهد.
6- دید چشم را ضعیف می کند.
7- خون انسان را کم می کند.
8- بدن انسان لاغر می شود.
9- موجب بد خلقی می شود.
10- رنگ صورت زرد می گردد.
11- قوای حافظه را مختل می کند .
12- استخوان را نحیف می نماید.
13- گاهی موجب فلج شدن می شود.
14- غذای خورده شده بدون هضم شدن از معده خارج می شود.
15- موجب عصبانیت می شود.
16- موجب اختلال حواس می گردد.
17- دم و بازدم به سختی صورت می گیرد.
18- باعث بی اشتهایی می شود.
19- موجب دوران سر می شود.
20- موجب سیاهی رفتن چشم ها و سرگیجه می شود.
21- قوای عضلانی را می کاهد.
22- گاهی موجب جنون می شود.
23- سرعت انزل را کند می کند.
24- موجب عدم نعوظ می شود.
25- اگر این عمل زیاد صورت گیرد، موجب میشود به جای ادرار خون جاری شود.
26- انسان بی اراده می شود.
27- مطالب را به خوبی فرا نمی گیرد.
28- انسان را فراموش کار می کند.
29- باعث می شود که فرد، دوستدار گوشه گیری شود
30- خوابش آشفته و ناراحت کننده است.

31- جهاز هاضمهاش دچار اختلال میگردد.
32- همیشه خسته و خواب آلود به نظر می آید
33- غدد مترشحه داخلی بدن را از کار می اندازد
34- گاهی موجب سیلان منی می شود.
35- در فهم شنیده ها عاجز است.
36- دستگاه گوارش را مختل می کند.
37- لرزش دست ایجاد می کند.
38- عمر انسان را کوتاه می کند.
39- موجب بیماری سل می شود.
40- استفراغ غیر قابل درمان پیدا می کند.
41- ناراحتی قلبی بوجود می آورد.
42- از نظر روحی از زندگی رنج می برد.
43- چشمان او در حالی که از آنهاآب می ریزد، خیره می ماند.
44- موجب سستی کمر می شود.
45- موجب آبله می گردد.
46- ادرار به صورت قطره قطره خارج می شود.
47- شکم درد می آورد.
48- ترسو و بی اراده می شود .(113)
اما اینک بشنوید راه های مبارزه با عمل خانمانسوز استمناء و استشهاء
1- اجتناب از هر گونه تحریک مصنوعی از قبیل دیدن فیلم ها سکسی و خواندن رمانهای عشقی و عکسهای شهوت انگیز
2- تهیه برنامه فشرده و تمام وقت که مانع از بیکاری شود
3- توجه به ورزش؛ زیرا ورزش مقدار فراوانی از انرژی های بدنی و فکری را به خود اختصاص می دهد و طبعاً از مسائل دیگر کم می‌کند.
4- جانشینی عادتی به جای عادت به خود ارضایی یعنی همان ساعتی که احتمال انجام این عمل می رود، انسان خود را مشغول به کاری کند.
5- پرهیز مطلق از تنهایی که سبب تحریک قوه شهوت می شود.
6- ازدواج در نخستین فرصت.
7- تلقین و تقویت اراده به این معنا که به خود بفهمانیم که قدرت مقابله با این عادت را داریم.
8- پرهیز از همنشینی با افراد منحرف و مبتلا به این عادت.
9- تقویت عمومی و رژیم غذایی مناسب، زیرا این عمل از ضعف اعصاب سرچشمه می گیرد.
10- استمداد از نیروی ایمانی و عقاید مذهبی.(114)
اینها مطالبی بود که در مورد مضرات استمناء و استشهاء بیان شد اما در آخر بشنوید نامه ای را که یکی از جوانان در مورد ضرر این عمل نوشته

است.
«چندی قبل از خیابان ثریای «یزد» می گذشتم، ناگهان چشمم به جوانی افتاد که سن او در حدود 25 سال بود، بدنی بی حس و چشمانی نابینا داشت در حالی که دست او در دست برادر کوچکش بود از خیابان می گذشت. من از چرخ پیاده شدم و از برادرش که با هم آشنا بودیم، پرسدیم این کیست؟ گفت برادرم است. مات و مبهوت انگشت بر دهان گذاشتم. پرسیدم چرا برادرت به این روز افتاده؟ گفت تا 20 سالگی هیچ عیبی نداشت ولی بر اثر اعتیاد به «یکنوع انحراف جنسی» چند سال است که چشمش نابینا شده ... بدبختانه باز دست بردار نیست. تقاضا می کنم هر چه زودتر زیان های این جنایت و راه علاج آن را برای ما جوانان تشریح کنید، چه کنیم که ما هم آلوده این کارها نشویم؟
این بود نامه ی جوانی دل سوز که طالب راه حلی برای نجات جوانان از این گناه است و ما شناخت گناه و اثراتش را و عذاب های آن را برای فرار از این کار به آنها پیشنهاد می دهیم.

شطرنج عامل اختلال حواس

در قرآن کریم کلمه شطرنج صراحتاً به کار نرفته است، اما به مناسبت‌های مختلف، مفسران با آوردن روایاتی بحث شطرنج را مطرح نموده اند که به آن اشاره می کنیم.
«ای پیغمبر درباره شراب و قمار از تو سئوال می کنند، بگو در آن ها گناه بزرگی است و منافعی برای مردم در بردارند، ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است»(115)
هم چنین می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردهاید، همانا شراب و قمار و بت ها و ازلام پلیدند و از عمل شیطانند، پس از آن ها دوری‌کنید تا رستگار شوید»(116)
و درباره ایجاد تفرقه و عداوت چنین می فرماید: «همانا شیطان می‌خواهد در میان شما بوسیله شراب و قمار، عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، پس آیا شما از آن دست بر می دارید؟»(117)
این چند آیه به طور غیر مستقیم شطرنج که یکی از اسباب قمار می‌باشد را رد میکند و نزدیک شدن به این وسیله سرگرمی را گناهی‌بزرگ می شمرد اما در تفسیر این چند آیه باید به احادیث اهل بیت رجوع کرد تا معنی قمار و میسر که در آیه به آن اشاره کرده اند را متوجه شویم.
امام صادق علیه السلام در ذیل آیه اول فرمودند: «نرد و شطرنج از میسر و قمار است»(118)
هم چنین امام رضا علیه السلام می فرمایند: «به راستی که شطرنج و نرد و اربعه عشر یک نوع از آلات قمار و هر چیزی که بوسیله آن قمار زده می‌شود، میسر است»(119)
در مرحله سوم بشنوید نظر مراجع معظم تقلید را درباره شطرنج، آیا هیچ کدام یک از مراجع این عمل را حلال کرده اند ...؟!
بر خلاف گفته ی مردم هیچ کدام از مراجع معظم تقلید مطلقا شطرنج را حرام نفرموده اند بلکه با قرار داد دو شرط اساسی استفاده از آن را جایز دانسته اند.
امام خمینی رحمه الله علیه در جواب سوالی که پرسیده بودند، حکم بازی های سرگرم کننده ولی بدون شرط بندی مانند شطرنج و تخته نرد و غیره چگونه است؟ جواب فرمودند: بازی با آلات قمار، مطلقاً حرام است.(120)
هم چنین در جواب سوالی که پرسیده بودند: اگر شطرنج، آلت قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد، و چون امروزه تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده می شود، بازی با آن چه حکمی دارد؟ ایشان

فرمودند: برفرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد.(121)
پس نظر حضرت امام خمینی رحمه الله علیه نیز درباره شطرنج، نظر تأییدی نیست و آنجا که ایشان می فرمایند (به فرض این که) می‌خواهد تفهیم کنند، که تا زمانی که آلت قمار باشد بازی شطرنج حرام است. اما بقیه مراجع نیز نظرشان بر حرمت شطرنج است.
حضرت آیه الله العظمی خوئی رحمه الله علیه در این رابطه مینویسند:
بازی با آلات قمار مثل شطرنج و امثال آن، آلاتی که برای قمار مهیا گردیده، حرام است با شرط بندی، گرفتن پولی که از راه شرط بندی به دست آمده نیز حرام است و شخص برنده مالک آن نمی شود وهم چنین بازی با آن، اگر شرط بندی هم نباشد حرام است.(122)
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای درا ین باره نظرشنان این گونه است:
بازی با آلات قمار بدون برد و باخت هم حرام است و بازی شطرنج اگر (در سطح جهانی) آلت قمار نباشد، بدون برد و باخت اشکال ندارد.(123)
حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمه الله علیه این گونه به این مسأله اشاره میکنند:
بازی با آلات قمار چه برد و باخت مالی باشد یا بدون آن، جایز نیست و شطرنج تا وقتی که محرز نشود از آلت قمار بودن خارج شده به طوری که در هیچ مجتمعی قمار با آن متعارف نباشد، بازی با آن چه برد و باخت باشد یا بدون آن، جایز نبوده و حرام است.(124)
حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله علیه در این باره نظر می‌دهند:
با برد و باخت حرام قطعی است و بدون برد و باخت بر احتیاط شدید حرام است.(125)
آیت الله العظمی سیستانی فتوا داده‌اند:
شطرنج مطلقا حرام است و پاسور اگر هم چنان در عرف قمار باشد، بازی با آن بدون برد و باخت بر احتیاط واجب جایز نیست.(126)
آیت الله العظمی وحید خراسانی استفتاء داده‌اند:
بازی کردن با آلات قمار مثل شطرنج، نرد، پاسور ... با برد و باخت حرام قطعی است، و بدون برد و باخت بنابر احتیاط واجب جایز نبوده و حرام است.(127)
حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) فتوا داده‌اند:
بازی با آلات قمار مطلقاً حرام است. (128)
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی آورده‌اند:
هر گاه آلات مذکور از آلت قمار خارج شده باشد و در نزد توده مردم محل به عنوان یک وسیله ورزشی یا تفریحی شناخته شود نه ابزار قمار، بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکال ندارد.(129)

اما بد نیست بدانید سرگرمی بیهوده یا به اصطلاح ورزش فکری، حتی توسط قهرمانان این رشته مورد انتقاد قرار گرفته است تا جایی که «شانتال شوده دوسیلال» که کارشناس شطرنج و دارای شهرت جهانی می باشد میگوید:
همین قدر کافی است برای اثبات این که شطرنج ورزشی است بسیار خسته کننده، که پس از انتهای حرکت چهلم اگر نتیجه به دست نیامد بازی به تعویض می افتد،چنان که در «ریکیا ویک» اتفاق افتاد. در واقع بیش از پنج ساعت نمی توان بر اعصاب خود مسلط شد و قدرت خود را حفظ کرد.(130)
هم چنین وی میگوید: می خواستم همین را بگویم! این خطر واقعی‌شطرنج است، پرداختن به شطرنج سایر منابع ذهنی را از کار می اندازد و دیگر فعالیت های ذهنی بیهوده و پوچ میشود. شطرنج میتواند به مفهوم لغت «پاسکال» اختلال حواس ایجاد کند.(131)
جالب است بدانید که شطرنج سبب زیادی حافظه نمیشود و نیازی به هوش و فکر قوی هم ندارد. چرا که «کلیولند» روانشناس معروف آمریکایی پس از سال ها بررسی ثابت کرده است که افراد کودن و کم هوش که درسایر رشته های فکری کمبود و نارسایی دارند، به خوبی‌می توانند شطرنج بازی کنند و به درجه استادی برسند.(132)
اما اینها دلایلی بود جهت اثبات مضرات شطرنج و این که اگر دین مبین اسلام میگوید به این عمل نزدیک نشوید به عمق عمل می نگرد نه به ظاهر عمل، و در پایان لازم است به عاقبت کار آلفین نابغه بزرگ جهانی شطرنج که بر روی مجسمهای که بر بالای قبر او ساخته شد، جمله «آلکساندر آلفین قهرمان شطرنج جهان» دیده میشود، اشاره کنیم.
او که در 16 سالگی موفق به اخذ درجه استادی در عرصه شطرنج گردید در اثر افراط در بازی شطرنج، خصوصاً بازی های چشم بسته، به ضعف جسمانی و خستگی بیش از حد مغز و اعصاب و روان مبتلا گشت به طوری که به تدریج بر مشروبات الکلی و سیگار متوسل شد و سلامت خود را از دست داد. بعد هم در سال 1946 تنها و بدون دوست در حالی که حتی پول کافی برای خرید سیگار نداشت از دنیا رفت و در نقلی دیگر مرگ او در شبی که مشغول مسابقات قهرمانی‌بود، به خاطر سکته قلبی بوده است.(133)
این است نتیجه بازی شطرنج که بعضی ها آن را برای انسان مفید می‌دانند!!!

سگ بازی عامل انتقال سل و هاری

سگ که یکی از موارد نجس در احکام دینی ما محسوب میشود به مانند خوک دارای مضرّاتی می باشد و همنشینی با آن سبب دوری‌ملائکه و امراض مختلف میگردد.
امام صادق علیه السلام فرمودند: «هیچ کس نیست که سگی در خانه نگاه دارد، مگر آن که هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می شود.»(134)
هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «مکروه است در خانه مرد مسلمان سگ باشد .»(135)
و باز امام در این باب فرمود: «نگاه مدار سگ شکاری را در خانه، مگر آن که میان تو و او دری باشد که بر روی آن سگ بسته شود.»(136)
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز فرمودهاند: «چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید، پناه ببرید به خدا از شرّشیطان رجیم، زیرا آنها می بینند چیزی را که شما نمیبینید.»(137)
امام حسین علیه السلام فرمودند: «چون سگ فریاد می کند میگوید، بس است معصیت های خدا برای خواری» (138)
هم چنین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سگ ها از ضعیفان اجنّه‌اند هر گاه طعام خوردید و سگی حاضر بود یا طعامش بدهید یا دورش کنید که نفس های بد دارند» (139)
امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمودند: «جبرئیل گفت یا رسول الله من در خانه ای که سگ در آن باشد، وارد نمی شوم» (140)
اینها گوشه ای از احادیث مربوط به سگ و نگهداری از سگ بود که به آن اشاره کردیم اما افسوس که افراد به اصطلاح متمدن هیچ توجهی‌به این احادیث ندارند و با سگ ها معاشرت می کنند، حتی با سگ ها به حمام می روند و زیر یک پتو میخوابند و ... این در حالتی است که خود دانشمندان غربی هم نشینی با سگ را عامل بیماری های‌مختلف می دانند که بدانها اشاره میشود.

یکی از اولین بیماری هایی که بواسطه همراهی سگ برای افراد ایجاد میشود، بیماری پوستی است. در این رابطه باید گفت؛ جرب و کچلی‌و سایر امراض پوستی و نیز انواع شپش و پشه در سگ فراوان است، سگ بدن خود را که مملو از انگل است با دهان می لیسد و میکروب های مختلف روی زبانش جمع می شود سپس زبان خود را به کاسه و کوزه، پرده و فرش میزند یا دست ارباب خود را با زبان میلیسد و بدین وسیله میکروب ها را منتقل می کند.(141)
هم چنین همنشینی و همراهی با سگ سبب مبتلا شدن افراد به بیماری هایی میشود، این بیماری بر خلاف تصور همه که راه انتقال آن را از طریق گاز گرفتن سگ می دانند از راه تماس بدن(تماس بزاق با زخم و یا مخاط بدن فرد) میباشد،حتی لیسیدن پوست فردی که دچار زخم شده می تواند هاری را منتقل کند. این بیماری در صورت بروز، صد در صد کشنده است زیرا عامل بیماری موجب عفونت مغز شده و فرد را به سرعت از پا در می آورد.(142)
بعضی ها گمان میکنند؛ سگی که مبتلا به هاری باشد بسیار وحشی‌است و سگ آرام و تمیز خانه‌شان مبتلا به هاری نمی باشد اما این طور نیست؛ زیرا طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، دانشمندان با مطالعه 102 رأس سگ به منظور بررسی 18 نوع بیماری خاص، دریافتند 58 درصد از سگ ها درحالی که به نظر میرسند سالمند، می‌توانند حامل باکتری «کلوستردیوم دیفسیل» باشند و بقیه آنها نیز ناقل عفونت های دیگری شامل «سالمونلا وای کلای» مقاوم به درمان و «پاسترلااس پی پی» هستند.(143)
سگ وسیله انتقال بیماری سل و کرم کدوی سگی می باشد، اگر سگی‌در خانه یک نفر مبتلا به سل باشد، برای تمام آن محله، بلکه تمام آن شهر خطرناک است.(144)
در باب شدت آلودگی و نجاست سگ باید گفت؛ طبق نظر مراجع معظم تقلید اگر ظرفی بواسطه لیسیدن سگ یا خوردن چیز روان از آن ظرف نجس شود، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد و بعد بنابر احتیاط واجب دو مرتبه در آب کر یا جاری یا با آب قلیل شست، هم چنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنابر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاک مال کرد.
اینها همه نشان دهندهی شدت آلودگی سگ می باشد و آن آفریدگاری که سگ را خلق کرد او نیز دستور به دفع میکروب می دهد و می فرماید: میکروب سگ را فقط خاک پاک، می تواند نابود کند. اما متأسفانه بعضی ها

که فریاد داشتن تمدن و فرهنگشان بلند است، خلاف قول خدا و رسول او و قول عقلای عالم با سگ ها همنشین می‌شوند و خود را مبتلا به امراض مختلف میکنند، بیماریهای گوناگون و میکروب های مختلفی که بر خلاف نظر این افراد با آب و مایع شستشو از بین نمیرود و طبق نظر دانشمند فرانسوی تنها چاره نابودی این میکروب، خاک است و باید ظرفی را که سگ از آن غذا خورده است، با خاک آغشته کرد.(145)

تراشیدن ریش که در اسلام از آن منع شده است باعث ابتلا به بیماری‌های فراوانی است؛ طبق احادیث امامیه باید از آن اجتناب کرد که در این قسمت بدانها اشاره میکنیم.
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سبیلها را کوتاه کنید و محاسن را بلند بگذارید و خود را شبیه یهود نسازید»(146)
هم چنین حضرت باز در این رباطه فرمودند: «مجوسیان ریش‌های خود را می‌زدند و سبیل هایشان را انبوه میگذاشتند، ما سبیلها را می‌زنیم و محاسن را بلند می‌گذاریم و این مطابق با خلقت است»(147)
امام صادق علیه السلام میفرمایند: «گرفتن سبیل ها در هر روز جمعه، امان است از خوره»(148)
مطالب فوق بخشی از احادیث مربوط به ریش گذاشتن بود اما قبل از بیان نظر دانشمندان در مورد مضرّات ریش تراشی، بشنوید دیدگاه مراجع معظم تقلید در مورد تراشیدن ریش و حکم آن را اخذ کنید.
حضرت امام رحمه الله علیه فرموده اند: ریش تراشیدن خواه با تیغ باشد یا با ماشین، حرام است علی الاحوط و تراشیدن بعض ریش حکم تراشیدن تمام آن را دارد.(149)
حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله علیه می فرمایند:
تراشیدن و ازاله موی صورت جایز نیست، چه تمام ریش یا قسمتی از آن باشد.(150)
حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی فتوا می دهند:
تراشیدن ریش حرام است ولی تراشیدن سبیل اشکال ندارد.(151)
حضرت آیت الله العظمی شیرازی فرموده اند:
تراشیدن و ماشین کردن ریش، اگر مانند تراشیدن باشد، حرام است و حکم خدا با مسخره مردم تغییر نمی کند.(152)
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی فتوا داده اند:
احتیاط در ترک تراشیدن ریش می باشد. (153)
حضرت آیت الله العظمی سیستانی نظرشان در این باره این گونه است:
تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به شکل تراشیدن است به احتیاط واجب جایز نیست.(154)
حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله علیه) فرموده اند:
تراشیدن ریش بنابر احتیاط واجب جایز نیست.(155)
حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) میفرمایند:
تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد بنابر احتیاط

واجب حرام است.(156)
حضرت آیت الله العظمی مجلسی نظر داده‌اند:
تراشیدن و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد بنابر احتیاط واجب جایز نیست.
حضرت آیت الله العظمی مظاهری می نویسد:
تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد، حرام است.

نظر دانشمند در مورد تراشیدن ریش

هانسد ریش، دانشمند زیبایی شناس آلمانی می گوید:
ریش ها را با تیغ نباید تراشید اما باید آن را شست و پاکیزه نگاهداری‌کرد.(157)
سجعان ماریونی و ویکتور ژرژ متخصص امریکایی می گویند:
ریش داشتن دهان را محافظت می نماید از اعراض و امراض که متوجه به دهان و اطراف آن است و هم نفع می دهد رطوبات زائده را که متوجه به جوانب دهان است و نگهداری می کند از استخوان های‌دندان ها و غده ها که دور دهان است.(158)
دکتر رضا خوش منش:
ریش تراشی موجب ابتلاء به امراض پوستی مانند سل جلدی و کورک های صورت و سوداء و زرده زخم و سیفلیس جلدی، و کزاز و جذام می شود.(159)
اینها بخشی از نظرات دانشمندان در مورد تراشیدن ریش بود اما در آخر نظر شما را جلب می کنم به روایت حبابه که در منتهی الامال نقل شده است.
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به آن دو نفر مأموری که از طرف کسری به مدینه آمدند و ریش خود را تراشیده و دارای سبیل بلندی بودند، فرمودند: وای بر شما چه کسی به شما دستور داده این طور کنید؟ گفتند رب ما کسری‌این طور فرمان به ما داد. حضرت فرمودند؛ پروردگار ما به ما دستور داده ریش بگذاریم و شارب را بزنیم.»
هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «سه دسته را خدا نظر رحمت در قیامت به آنها نکند؛ پیری که ریش سفید را بکند، استمناء کننده و لواط دهنده»(160)
پس ای عاقل از طریق صحیح خارج نشو و خود را مورد عذاب الهی‌قرار نده!

مواد مخدر عامل نارسایی ریوی

استفاده از مواد مرگبار مخدر که عامل بیماری های فراوان جسمی و روحی می باشد طبق آیات و روایات و نظر عقلای عالم منفور می‌باشد، بر هر مسلمانی واجب است که از استعمال این مواد اجتناب کند چرا که خداوند متعال می فرماید: «خود را با دست خود به هلاکت نیاندازید» (161)

بر همگان واضح است که یکی از نمونه های هلاکت، اعتیاد به مواد مخدر می باشد. اعتیادی که سبب بیزاری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از این افراد می شود. چرا که حضرت فرمودند: «زمانی فرا می رسد که امت من چیزی به نام بنگ استعمال می کنند، من از این افراد بیزارم و آنان نیز از من دورند»(162)

هم چنین فرمودند: «به یهود و نصاری سلام کنید اما به مصرف کننده بنگ سلام نکنید» (163)

و هم چنین باز در این رابطه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند: «کسی که گناه کشیدن بنگ را ناچیز شمارد، کافر است» (164)

هم چنین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این باره اشاره می کنند: «هر کس بنگ استعمال کند، چنان است که هفتاد بار کعبه را ویران کند و هفتاد فرشته مقرب را بکشد، و هفتاد پیامبر مرسل را به قتل رساند و هفتاد قرآن را بسوزاند و هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کند و چنین کسی‌از رحمت خدا دورتر است تا شرابخور، ربا خوار، زنا کار و سخن چین»(165)

اینها بخشی از روایات مربوط به مواد مخدر بود که بدان اشاره شد اما اینک وقت اشاره کردن به مضرّات این مواد است که از نظر علم روز ثابت شده است .

آسیب های جسمی مواد مخدر

1- اختلالات گوارشی در معده و روده ها، شامل تهوع و کاهش اشتها، اسهال و استفراغ، ازدیاد قند خون، سرطان مری، زخم معده واثنی عشر، کاهش ترشحات لوزالمعده و سیستم صفراوی و لاغری‌مفرط.

2- بروز نارسایی ریوی، اختلال تنفسی، تضعیف و توقف تنفس، بروز سرطان ریه، آسم و انسداد راه های تنفسی .(166)

3- انبساط و انقباض غیر طبیعی مردمک، تاری دید، اختلالات عروقی شبکه چشم و کوری زود رس چشم . (167)

4- ابتلا به سرطان مثانه 8 برابر افراد عادی .(168)

5- انواع بیماری های پوستی

6- اختلالات کبدی و کلیوی، ایدز، هپاتیت، کزاز، سکته قلبی و اختلاف خواب(169)

7- اختلالات میل جنسی در مرد و زن، انزال خود به خود (170)

در آخر باید گفت، طبق آمار رسمی پزشکی قانونی در سال 1381، سه هزار و پانصد نفر و در سال 1382، چهار هزار و پانصد نفر به خاطر استعمال مواد مخدر جان خود را از دست دادند.(171)

بسمه تعالی
هدف ما از نشر این کتاب و برپایی مسابقه کتاب خوانی این کتاب، آشنایی افراد به خصوص نسل جوان با دین مبین اسلام و احکام ناب آن می باشد. لذا خواهشمند است با صرف وقت، کتاب را کاملاً مطالعه فرمایید و پس از مطالعه پاسخ نامه را پرکنید و به مراکز تهیه کتاب یا به آدرس خیابان احمد آباد- خیابان شهید توانا- مسجد قراول خانه، تحویل یا ارسال نمایید.
تاریخ قرعه کشی 29 شهریور 1388 مصادف با عید سعید فطر همراه با جوایز ارزنده ای از قبیل سفر به مشهد مقدس، خط موبایل و ده ها جوایز ارزنده دیگر
مکان قرعه کشی: مسجد حبیب ابن مظاهر
جهت اطلاعات بیشتر و دادن هر گونه نظر و پیشنهاد با نویسنده کتاب با شماره 09131683694 (طغیانی) تماس حاصل فرمائید.

1- طبق آیه قرآن در سوره توبه چه چیز مانع از قبولی انفاقها می‌شود؟
الف)عاق والدین ب) بی میلی به نماز و کراهت در انفاق
ج) دزدی د) شرابخواری

2- طبق نظر الکسیس کارل، نیایش باعث چه چیزهایی می گردد؟
الف) آسودگی ب) خستگی
ج) شفای دردهایی چون سرطان د) تمسخر دیگران

3- در سوره بقره روزه داری باعث چه چیزی می شود؟
الف) پرهیزکاری ب) زخم معده
ج) بهشتی شدن د) گرسنگی

4- قوم یهود به چه طریقی اظهار خضوع می کردند؟
الف) نماز ب) شب زنده داری
ج) روزه داری د) هیچ کدام

5- منظور از جلباب که در سوره احزاب آمده است، چیست؟
الف) عبایی که از سر تا پا را بگیرد ب) مانتو
ج) پالتو د) روسری

6- طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نابودی زنان امت در چیست؟
الف) استفاده از زیور آلات و پوشیدن لباس نازک ب) تکبر
ج) فخر فروشی د) حسادت

7- از ضررهای مهم گوشت خوک تولید مرض .... می‌باشد.
الف)سل ب) سرماخوردگی ج) تریکینوز د)هیچ کدام

8- تنجیم یعنی چه؟
الف) خبر از آینده ب) خبر از حوادث تکوینی به طور قطع و جزم
ج) خبر از حرکت ستارگان د) خبر از حوادث تکوینی
9- کدام یک از سوره های قرآنی دلالت بر زیان شراب دارد؟
الف) نساء آیه 2 ب) آل عمران آیه 4
ج) بقره آیه 219 د) طه آیه 10
10- طبق کلام امیرالمؤمنین علیه السلام از بین رفتن نشاط و درخشندگی‌صورت به خاطر چه گناهی است؟
الف) دزدی ب) نگاه به نامحرم ج) زنا د) عاق والدین
11- طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم موسیقی سبب رویش چه چیزی در دل انسان می شود؟
الف) کفر ب) کینه ج) حسادت د) نفاق
12- طبق سوره بقره آیه 278 چه کسانی با خدا و رسولش پیکار می‌کنند؟
الف) دزدان ب) شرابخواران ج) زناکاران د)رباخواران
13- در کدامیک از سوره های قرآن، حفظ چشم ها از حرام بر مردم واجب است؟
الف) نور آیه 5 ب) بقره آیه 10 ج) طه آیه 20 د) نور آیه 30
14- کم خونی و لاغری، بدخلقی و ضعف چشم و ... از اثرات ابتلای‌به چه گناهی می باشد؟
الف) غیبت ب) تهمت ج) استمناء د) ترک نماز
15- طبق نظر آیت العظمی خامنهای؛ بازی با آلات قمار بدون برد و باخت چه حکمی دارد؟
الف) جایزاست ب) حرام است
ج) احتیاط در ترک است د) مباح است
16- براساس کلام امام صادق علیه السلام مصادیق میسر چه چیزهایی می‌باشد؟
الف) پاسور ب) مار و پله
ج) نرد و شطرنج د) هیچ کدام
17- سگ عامل انتقال چه بیماری هایی می باشد؟
الف) ایدز ب) سل و کرم کدوی سگی ج) جزام د) لاغری
18- تراشیدن ریش و بلند گذاشتن سبیل ها از مرام چه مذهبی‌است؟
الف) مسلمانان ب) یهودیان ج) مجوسیان د) بهائیان
19- رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: به یهود و نصاری سلام کنید اما به .... سلام نکنید؟
الف) قاتل ب) دزد ج) مصرف کننده بنگ د) هیچ کدام
20- طبق آمار رسمی پزشکی قانونی در سال 1381 چند نفر به خاطر

مواد مخدر جان خود را از دست داده اند؟
الف) 3500 نفر ب) 2000 نفر ج) 20000 نفر د) 1000 نفر
پاسخ نامه سوالات

ردیف الف ب ج د ردیف الف ب ج د
1 11
2 12
3 13
4 14
5 15
6 16
7 17
8 18
9 19
10 20

نام .... نام خانوادگی... نام پدر.................................. سال تولد .... شماره شناسنامه... تلفن ثابت.............................. آدرس و کد پستی ....
....
نام مسجد یا حسینیه...

پاورقی ها

1) عنکبوت، آیه 45
2) مدثر، آیه 43
3) فاطر، آیه 29
4) بقره، آیه 83 .
5) توبه، آیه 54 .
6) کیفر کردار، علامه میلانی، جلد 2.
7) کیفر کردار، علامه میلانی، جلد 2 .
8) فلسفه احکام، اهتمام، ص 140 .
9) فلسفه احکام، اهتمام، ص 53 .
10) بقره، آیه 183
11) توبه، آیه 112
12) نهج الفصاحه ص 362
13) نهج الفصاحه ،ص 362 .
14) نهج الفصاحه ،ص 362 .
15) بهشت اخلاق، جلد 2 ، ص 740 .
16) میزان الحکمه، جلد 7 ، ص 3219 .
17) سفر داوران.
18) طب و بهداشت در اسلام
19) سلامتی و طول عمر در احکام اسلام ص 139
20) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد 3
21) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد 3.
22) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد 3 .
23) احزاب، آیه 59 .
24) احزاب، آیه 55
25) تفسیر محزن العرفان جلد 10 ص 254
26) احزاب، آیه 33.
27) بهشت اخلاق، جلد 1 ص 381 .
28) نهج البلاغه نامه 31، بحارالانوار، 252/103.
29) حجاب عزت است یا اسارت؟
30) تاریخ تمدن جلد 12 ص 30
31) سه سال در ایران
32) سلامتی و طول عمر در احکام اسلام ص 120 .
33) داستانهایی از پوشش و حجاب

34) بقره، آیه 173
35) عیون اخبار الرضا.
36) گناهان کبیر ،جلد 2 ، ص 237 .
37) فلسفه احکام اهتمام جلد 1 ص 135
38) بقره، آیه 102 .
39) عیون الخبار الرضا
40) وسائل الشیعه
41) سفینه البحارجلد اول ص 605
42) وسائل الشیعه
43) گناهان کبیره، جلد 2 ،ص 83 .
44) خصال .
45) بحارالانوار، جلد 11
46) گناهان کبیره، جلد 2، ص 102.
47) سفینه البحار، جلد 1، ص 605 .
48) مرزهای اعجاز- گناهان کبیره، جلد 2 .
49) گناهان کبیره(آیت الله دستغیب) ،جلد 2 ،ص 108 .
50) مائده، 90
51) بقره 21،9
52) کیفر کردار، جلد 2 ،ص 38 .
53) کیفر کردار، جلد 2 ،ص 38 .
54) علل الشرایع، جلد 2 ،ص 525 .
55) صد مقاله سلطانی، ص 34 .
56) کتاب اشعیا،ی نبی، آیه 11، باب 5 .
57) کتاب یوشع نبی، باب 4 ،آیه 11 .
58) انجیل لوقا،ا باب 21، آیه 34 .
59) بنی اسرائیل، آیه 32 .
60) نور، آیه 2.
61) علل الشرایع ،جلد 2، ص 537 .
62) علل الشرایع، جلد 2، ص 535 .
63) میزان الحکمه، جلد 5 ،ص 2213 .
64) مجموعه مقالات، سمینار دیدگاه های اسلام ،ص 467 .
65) ایدز تالیف دکتر احمد محود آبادی ،ص 16.
66) رساله چهار مرجع ،ص 733 .
67) آموزش فقه فلاح زاده
68) رساله آیت الله العظمی خوئی- ص 528
69) لقمان، آیه 6 .

70) اسراء، آیه 36 .
71) حج، آیه 30 .
72) نورالثقلین، جلد 4 ،ص 41 .
73) بهشت اخلاق ،جلد 2، ص 477 .
74) مستدرک الوسائل، باب 78.
75) بحارالانوار، جلد 79 ،ص 250 .
76) استفتاءات ،جلد 2 ،ص 618 .
77) توضیح المسائل، حضرت آیت اله خوئی ،ص 535 .
78) توضیح المسائل، حضرت آیت الله صافی ص 58
79) مسائل کثیرالابتلاء ص 11
80) توضیح المسائل ص 597
81) رساله چهار مرجع ص 73
82) استفتائات 1046
83) منهاج الصالحین، جلد 3 .
84) منهاج الصالحین، جلد 2 .
85) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان ،ص 167 .
86) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان ،ص 168 .
87) فرهنگ زندگی.
88) اندیشه های مردان بزرگ.
89) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان .
90) Dyingyoung
91) تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان .
92) بقره، آیه 275 .
93) بقره، آیه 278 .
94) نهج الفصاحه، ص 353 .
95) میزان الحکمه، جلد 4 ،ص 1973 .
96) میزان الحکمه ،جلد 4 ،ص 1973 .
97) اسلام و طب جدید ،ص 66 .
98) تفسیر نمونه ،جلد 2 ،ص 379 .
99) سوره نور ،آیه 30.
100) نور، آیه 31 .
101) بحارالانوار، جلد 104 .
102) وسائل الشیعه، 246/14.
103) نهج الحیاه ،ص 160 .
104) روزنامه اطلاعات 13 اسفند 1350.
105) وسائل الشیعه.

106) راهنمای ارتباط زن و مرد ، دختر و پسر ص 89
107) وسائل الشیعه
108) میزان الحکمه، جلد 12، ص 5653 .
109) میزان الحکمه، جلد 12، ص 5653 .
110) میزان الحکمه، جلد 12 ،ص 5655 .
111) بهشت اخلاق، جلد 1 ،ص 369 .
112) مشکلات جنسی جوانان ،ص 14 .
113) راهنمای ارتباط زن و مرد، ص 283 .
114) مشکلات جنسی جوانان، ص 170 .
115) سوره بقره، آیه 219 .
116) مائده، آیه 90 .
117) مائده ،آیه 91 .
118) وسائل الشیعه.
119) وسائل الشیعه، بحار الانوار.
120) آموزش فقه فلاح زاده به نقل از کتاب استفتاآت.
121) استفتاآت جلد 2 ص 10 .
122) منهاج الصالحین، خوئی.
123) راز شطرنج ،ص 134 .
124) مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید.
125) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید.
126) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید.
127) شرط بندی و قمار از نشریه مذهبی نور، ص 13 .
128) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع.
129) بخشی از مسائل کثیرالابتلاء .
130) پاسخ به پرسش های مذهبی.
131) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر.
132) آخر بازی ،ص 231 .
133) راز شطرنج، ص 93 .
134) حلیه المتقین، ص 405 .
135) حلیه المتقین، ص 404.
136) بحار ،جلد 65 ،ص 53 .
137) حلیه المتقین، ص 405 .
138) حلیه المتقین ،ص 433 .
139) الکافی، جلد 3 .
140) الکافی ،جلد 3 .
141) اسلام پزشک بی دارو ،جلد 1 ،ص 61 .

142) هفته نامه سلامت شماره 67 ،ص 6 سال 1385 .
143) هفته نامه سلامت شماره 70 .
144) اسلام پزشک بی دارو ،جلد 1 .
145) اسلام پزشک بی دارو ،جلد 61 .
146) میزان الحکمه، جلد 11 ،ص 5305 .
147) میزان الحکمه، جلد 11 ،ص 5303 .
148) من لا یحضره الفقیه.
149) استفتاآت ،جلد 2 ،ص 30 .
150) رساله چهارم مرجع، ص 728 .
151) جامع الاحکام، ص 183 .
152) رساله توضیح المسائل، ص 596 .
153) رساله توضیح المسائل، ص 485 .
154) استفتاء از دفتر معظم له .
155) توضیح المسائل.
156) توضیح المسائل.
157) راهنمای اصلاح ،ص 12 .
158) فلسفه احکام ص 221
159) راهنمای اصلاح
160) خصال شیخ صدوق
161) بقره 195 .
162) مستدرک الوسائل.
163) میزان الحکمه، جلد 3 .
164) میزان الحکمه، جلد 3 .
165) مستدرک، جلد17 .
166) سوغات مرگ ،ص 73 .
167) سوغات مرگ، ص 73.
168) هجوم خاموش، ص 117 .
169) هجوم خاموش، ص 117.
170) سوغات مرگ ص 73
171) گلشن لطایف ص 73

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

